

DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.11.5

مصداقیابی و کارکردهای فرهنگی واژه «أَصْحَابُ أَبِي» در کلام امام صادق علیه السلام -

سیدعلیرضا حسینی شیرازی، محمد لطفی پور

علمی - پژوهشی

فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه

سال هجدهم، شماره ۷۱ «ویژه پژوهش‌های حدیثی»، تابستان ۱۴۰۰، ص ۴۷-۸۲

مصداقیابی و کارکردهای فرهنگی واژه «أَصْحَابُ أَبِي» در کلام امام

صادق علیه السلام

سیدعلیرضا حسینی شیرازی*

محمد لطفی پور**

چکیده: انقلاب علمی و فرهنگی شیعه، در عصر امامت امام محمدباقر علیه السلام، با مدیریت آن حضرت و توسط جمعی از شاگردان زبده و نخبه ایشان آغاز شد و جامعه شیعه را از فقر فرهنگی به مرحله شکوفایی و بالندگی رساند.

این لایه از اصحاب الباقر علیه السلام را می‌توان با کلیدواژه «أَصْحَابُ أَبِي» در فرمایشات امام جعفر صادق علیه السلام بازشناخت. توصیه ویژه‌ای که امام باقر علیه السلام در آخرین لحظات عمر، به فرزندشان درباره یاران خود ابراز فرمودند، همچنین کارکردهای دین‌شناسانه و جامعه‌شناسانه‌ای که از سوی امام صادق علیه السلام در مواضع مختلف ایراد شده، ضرورت بازشناسی مصادیق و کارکردشناسی فرهنگی «أَصْحَابُ أَبِي» را بیش از پیش، هویدا می‌سازد. این نوشتار، با شیوه تحلیل متون حدیثی شیعه، به این دو مهم پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: تاریخ حدیث شیعه؛ امام باقر علیه السلام؛ امام صادق علیه السلام؛ أَصْحَابُ أَبِي؛ تاریخ شیعه.

Sahoseini14@gmail.com

Mohammad.lotfipur@gmail.com

*. مدرس مرکز تخصصی علوم حدیث حوزه علمیه قم

** پژوهش‌گر مرکز تخصصی علوم حدیث حوزه علمیه قم

معمولاً سخنان و توصیه‌هایی که در واپسین لحظات عمر از جانب معصومین علیهم‌السلام ایراد می‌شود، بیانگر مهم‌ترین دغدغه ایشان و اهمیت بسیار بالای آن است. این توصیه‌ها بر نکته یا نکته‌های مهمی انگشت می‌گذارند که در آینده، اثرگذار و کارگشا خواهند بود.

یکی از این توصیه‌ها، سفارش امام باقر علیه‌السلام در آخرین لحظات عمر شریف خود به فرزندشان امام صادق علیه‌السلام می‌باشد که فرمودند: «يا جَعْفَرُ أَوْصِيكَ بِأَصْحَابِي خَيْرًا، قُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ! وَاللَّهِ لَأَدْعَنَّهُمْ وَ الرَّجُلُ مِنْهُمْ يَكُونُ فِي الْمَضَرِّ فَلَا يَسْأَلُ أَحَدًا»^۱. در خوانش گفتگوی پیش‌رو، سه نکته حائز اهمیت است:

۱. درخواست یک رفتار در قالب «أَوْصِيكَ بِأَصْحَابِي خَيْرًا» از فرزند خود.
۲. مستور بودن نام افرادی که از آن مجموعه با عنوان مشیر «أَصْحَابِي» یاد شده است.
۳. فرو نشانیدن دغدغه پدر توسط امام صادق علیه‌السلام در قالب تعهدی که رفتار فرهنگی - تعلیمی ایشان را در آینده رقم خواهد زد.

عبارت «أَوْصِيكَ بِأَصْحَابِي خَيْرًا» برای مخاطب امروزی احتمالات متعدد و نامفهوم دارند؛ ممکن است مخاطب از واژه «أَصْحَابِي» تلقی عام و شمول مفهومی برداشت کند بر هر فرد جامعه شیعی که امام باقر علیه‌السلام را ملاقات کرده است.

در حالی که پاسخ امام صادق علیه‌السلام، خطا بودن این تلقی را در بردارد؛ عنوان «أَصْحَابِي» یادکرد از افراد خاصی است که هیچ نام و نشانی از آن‌ها در عبارت نیامده، اما مصداق این واژه برای امام صادق علیه‌السلام معلوم و مشخص است.

۱. الکافی، ج ۱، ص ۳۰۶؛ ای جعفر! به تو وصیت می‌کنم که نسبت به اصحاب و یارانم نیکی کنی. امام صادق علیه‌السلام به پدر خود عرض کردند: فدایت گردم، به خدا سوگند، زمانی آن‌ها را رها می‌کنم که هر یک از آنان در شهری که قرار دارد نیاز به پرسیدن از کسی نداشته باشد.

ایشان بعد از وفات پدر بزرگوار خود، از آن افراد با عنوان مشیر «أصحابُ أبي» یاد می‌کنند؛ توجّه خاص به این اشخاص، سرمایه‌گذاری امام باقر علیه السلام برای پرورش علمی آن‌ها را نشان دهد که امام صادق علیه السلام با تعهد خود این رفتار تعلیمی را پیگیری و دنبال کردند.

گونه‌شناسی مصادیق "أصحابُ أبي" در کلام امام صادق علیه السلام

در گزارش‌های رسیده از سوی امام صادق علیه السلام با تکرار چندین باره واژه "أصحابُ أبي" روبرو هستیم. با دقت در روایات مذکور می‌توان این عنوان مشیر را به چهار دسته بخش‌بندی کرد:

یکم. گروهی از یاران که زمان یادکرد از آن‌ها با عنوان «أصحابُ أبي» توسط امام صادق علیه السلام به بیان جایگاه و کارکردهای فرهنگی خاص‌شان پرداخته شده است، مانند: محمد بن مسلم، زرارۀ بن اعین، یحیی ابوبصیر الاسدی، برید بن معاویه عجلّی، لیث بن بختری مرادی.

کارکردهایی مانند: پاسبانی از حریم دین، توانمند در زدودن بحران‌های فرهنگی، پیشگیری از فراموش شدن آثار نبوت و پاسبانی از آثار امام باقر علیه السلام و... حکایت از توانمندی پیشین و اثرگذاری پسین فرهنگی این افراد در آینده فرهنگی جامعه شیعه دارد. ویژگی خاص مصادیق «أصحابُ أبي»، در برگرفتن مجموعه عظیم فرهنگ شیعه از امام و پراکندن آن در جامعه شیعه می‌باشد، که در روایات زیر به آن اشاره دارد:

۱. جمیل بن دراج نقل می‌کند که به منزل امام صادق علیه السلام وارد شدم در حالی که یکی از شیعیان کوفه در حال خارج شدن از خدمت امام بود. وقتی خدمت حضرت رسیدم، فرمودند: آن فردی را که از نزد من خارج شد، ملاقات کردی؟ گفتم: بله، او یکی از شیعیان کوفه بود. امام فرمودند: لَا قَدَسَ اللَّهُ رُوحَهُ وَ لَا قَدَسَ مِنْهُ. حضرتش

در ادامه، علت نفرین خود را بدگویی‌های این شخص نسبت به اصحاب پدرشان بیان فرمودند. آنگاه در جواب آن شخص ده ویژگی مهم نسبت به برید العجلی، زراره، ابوبصیر و محمد بن مسلم بیان کردند. پنجمین ویژگی «أَصْحَابُ أَبِي عَلِيٍّ حَقًّا»^۱ مطرح شده است، یعنی آن‌ها به یقین از اصحاب پدرم هستند.^۲

۲. «عبدالله بن زراره بن اعین» نقل می‌کند که امام صادق ع به من فرمودند: «به پدرت (زراره) سلام برسان و به او بگو: اگر سخنی علیه تو می‌گویم، بدان که برای دفاع از توست. مردم و دشمنان همواره می‌کوشند افرادی را که نزد ما جایگاه دارند و به ما نزدیکند، بیازارند. آنان این افراد را به‌خاطر دوستی ما به آنان، نکوهش می‌کنند و می‌کشند. در عوض، هر کسی را که ما نکوهش می‌کنیم و ردّ می‌نماییم، می‌ستایند. [بگو به پدرت]: اگر در ظاهر تو را نکوهش و ردّ می‌کنم، به خاطر آن است که تو به ولایت ما شناخته شده‌ای و همه می‌دانند که طالب ما هستی؛ از این رو در نزد مردم مذموم و ناپسندی، چون که ما را دوست داری و به جانب ما مایلی؛ پس خواستم تو را در ظاهر ردّ و نکوهش کنم تا نزد مردم محبوب باشی و بدین ترتیب به دینت آسیب نرسد و شرّ آنان از تو برداشته شود.»

حضرتش به آیه ۷۹ سوره کهف تمسک کرده و در ادامه فرمودند: «فَإِنَّكَ وَاللَّهِ أَحَبُّ النَّاسِ إِلَيَّ وَ أَحَبُّ أَصْحَابِ أَبِي حَيًّا وَ مَيِّتًا، فَإِنَّكَ أَفْضَلُ سُفْنِ ذَلِكَ الْبَحْرِ الْمَمْتَمِّمِ الرَّأَجِرِ...»^۳؛ تو [زراره] در حال حیات و ممات، محبوب‌ترین مردم در نزد من و محبوب‌ترین فرد از اصحاب پدرم هستی و تو سودمندترین کشتی این اقیانوس

۱. /اختیار معرفة الرجال، ص ۱۳۷.

۲. واژه «حَقًّا» حکایت از پایداری التزام و تعهد بین اصحاب و حجت‌الله دارد و عبارت حاضر نشان‌گر بینش و نگرش اصحابی است که در تمام لحظات حیات، در پرتوی رهنمودهای حجت‌الله حرکت کرده و ادامه مسیر می‌دهند.

۳. همان، ص ۱۳۸.

طوفان زده هستی...»^۱

۳. داود بن سرحان گفت: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمودند: «با فردی سخن می‌گویم و او را از جدال و مراء در دین خدا باز می‌دارم و از قیاس پرهیزش می‌دهم؛ اما هنگامی که از نزد من می‌رود، سخن مرا به غیر مراد من تاویل می‌کند؛ به گروهی فرمان می‌دهم که به بحث و مناظره پردازند و گروه دیگری را باز می‌دارم، اما هر یک سخن مرا مطابق میل خود تفسیر می‌کند، در حالی که انگیزه آن‌ها سربلندی و معصیت خدا و رسول اوست. اگر شنوا و فرمان‌بردار بودند، آن‌چه را که پدرم در اختیار اصحابش قرار داد، به آن‌ها می‌سپردم.

سپس امام به توصیف اصحاب پدر خود مانند محمد بن مسلم، برید بن معاویه عجللی، زرارة بن اعین و لیث بن بختری مرادی پرداخته و فرمودند: و إِنَّ أَصْحَابَ أَبِي كَانُوا زِينًا أَحْيَاءَ وَ أَمْوَاتًا...^۲؛ اصحاب پدرم در حیات و ممات مایه زینت هستند...»

۴. هنگامی که خاندان اعین مانند زراره و حمران خدمت امام صادق علیه السلام برای کسب علم در رفت و آمد بودند، ربیعة الرأی به امام صادق علیه السلام گفت: آن برادرانی که از عراق خدمت شما می‌رسند، در حالی که در بین یاران شما بهتر و برازنده‌تر از آنان ندیده‌ام، کیستند؟ امام فرمودند: «آن‌ها اصحاب پدرم (أَصْحَابَ أَبِي) هستند».^۳

دوم: یارانی که با عنوان مشیر «أَصْحَابَ أَبِي» بدون کارکرد خاص از آن‌ها یاد شده

۱. در این گزارش، جامعه پرتلاطم فرهنگی توسط امام صادق علیه السلام به اقیانوس طوفان زده تشبیه شده که زراره «سودمندترین فرد برای عبور دادن جامعه شیعه از این گذرگاه خطرناک» می‌باشد.

۲. همان، ص ۱۷۰ و ص ۲۳۸؛ عَنْ دَاوُدَ بْنِ سِرْحَانَ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ: إِنِّي لَأُحَدِّثُ الرَّجُلَ بِحَدِيثٍ وَ أَنَهَاءُ عَنِ الْجِدَالِ وَ الْمَرَاءِ فِي دِينِ اللَّهِ تَعَالَى، وَ أَنَهَاءُ عَنِ الْقِيَاسِ فَيَخْرُجُ مِنْ عِنْدِي فَيَتَأَوَّلُ حَدِيثِي عَلَى غَيْرِ تَأْوِيلِهِ. إِنِّي أَمَرْتُ قَوْمًا أَنْ يَتَكَلَّمُوا وَ نَهَيْتُ قَوْمًا، فَكُلُّ يَتَأَوَّلُ لِنَفْسِهِ بَرِيدَ الْمُعْصِيَةِ لِلَّهِ تَعَالَى وَ لِرَسُولِهِ، فَلَوْ سَمِعُوا وَ أَطَاعُوا لَأَوْدَعْتَهُمْ مَا أَوْدَعَ أَبِي أَصْحَابَهُ، إِنَّ أَصْحَابَ أَبِي كَانُوا زِينًا أَحْيَاءَ وَ أَمْوَاتًا، أَعْنَى زُرَّارَةَ وَ مُحَمَّدِينَ مُسْلِمٍ وَ مِنْهُمْ لَيْثُ الْمُرَادِي وَ بَرِيدُ الْعَجَلِيِّ، هَؤُلَاءِ الْقَوْمُونَ بِالْقِسْطِ، هَؤُلَاءِ الْقَوْمُونَ بِالصِّدْقِ، هَؤُلَاءِ السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ، أَوْلِيكَ الْمُقْرَبُونَ.

۳. همان، ص ۱۶۱؛ قَالَ رَبِيعَةُ الرَّأْيِ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: مَا هَؤُلَاءِ الْأَخُوَّةُ الَّذِينَ يَأْتُونَكَ مِنَ الْعِرَاقِ وَ لَمْ أَرِ فِي أَصْحَابِكَ خَيْرًا مِنْهُمْ وَ لَا أَهْيَأَ؟ قَالَ: أَوْلِيكَ أَصْحَابُ أَبِي.

است؛ مانند حسن بن خنیس، فضیل بن یسار.

دقت در دو گزارش زیر نشان می‌دهد که امام صادق علیه السلام نسبت به اصحاب پدرشان - به صورت عام - محبت ویژه‌ای داشتند و جزء «أَصْحَابُ أَبِي» بودن را به عنوان یک ارزش معرفی کردند.

۴. ابواسامه نقل می‌کند که خدمت امام صادق علیه السلام بودم. هنگامی که حسن بن خنیس عبور کرد، حضرت فرمودند: «این شخص را دوست داری؟ این فرد از اصحاب پدرم (أَصْحَابُ أَبِي) است».^۱

شخصیت حسن بن خنیس مجهول است، به جز این گزارش، ویژگی دیگری نسبت به او وجود ندارد و در کتب اربعه تنها سه روایت از این شخص نقل شده است؛ اما امام صادق علیه السلام به سبب این ویژگی، امر به دوست داشتن او کردند که حکایت از سلامت عقیده در مسیر دریافت آموزه‌های هدایتی از مجرای امامت دارد.

۵. امام صادق علیه السلام هنگامی که فضیل بن یسار را در برابر خود دیدند، فرمودند: بشارت باد بر مُخْبِتین (اهل تواضع و خشوع در مقابل خداوند).^۲ نیز می‌فرمودند: «فُضَيْلُ بَنِ يَسَارٍ مِنْ أَصْحَابِ أَبِي» است و من دوست می‌دارم کسی را که اصحاب و هم‌نشینان پدرش را دوست بدارد».^۳

هم‌چنین آن حضرت، علی بن سعید بصری را به فُضَيْلِ اِرْجَاعِ داده و مقام علمی

۱. همان، ص ۴۰۳؛ عَنْ أَبِي أُسَامَةَ الشَّحَامِ، قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذْ مَرَّ الْحَسَنُ بْنُ خُنَيْسٍ، فَقَالَ ابُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: تَجِبُ هَذَا؟ هَذَا مِنْ أَصْحَابِ أَبِي.

۲. ظاهراً اشاره است به آیه «و بَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ» (حج / ۳۴).

۳. همان، ص ۲۱۳؛ كَانَ ابُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا نَظَرَ إِلَى الْفُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ مَقْبَلًا قَالَ: بَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ. وَ كَانَ يَقُولُ: إِنَّ فُضَيْلًا مِنْ أَصْحَابِ أَبِي وَ إِنِّي لَأُحِبُّ الرَّجُلَ أَنْ يَجِبَ أَصْحَابَ أَبِيهِ.

او را تأیید کرده است^۱ و در برخی گزارش‌ها وی را از اهل بیت دانسته‌اند.^۲

سوم: بعضی از یارانی که به صورت تردیدآمیز با عنوان "أَصْحَابُ أَبِي" بدون ذکر کارکرد خاص از آن‌ها یاد شده است؛ مانند: ابوالصباح کنانی در گزارش زیر:

برید عجلی نقل می‌کند: من و ابوالصباح کنانی در نزد امام صادق علیه السلام بودیم که ایشان فرمودند: اصحاب پدرم (أَصْحَابُ أَبِي) از شما بهتر بودند، اصحاب پدرم برگ بی‌خار بودند اما شما خار بی‌برگ هستید. ابوالصباح به امام صادق علیه السلام عرض می‌کند: ما هم از اصحاب پدر شما هستیم. امام صادق علیه السلام فرمودند: آن روز بهتر از امروز بودید.^۳

چهارم: یارانی که اطلاق "أَصْحَابُ أَبِي" به آن‌ها نشده است، اما با توجه به کارکردهایی که امام باقر یا امام صادق علیه السلام برای آن‌ها بیان کرده‌اند، می‌توان نامشان را در زمره گروه نخست جای داد؛ مانند: حُمران بن اعین^۴، بُکیر بن اعین^۵، ابان بن تَغَلِب^۶، ابوحمزه ثمالی^۷ و عبدالله بن ابی یعفور^۸...

خاطر نشان می‌شود که عمومیت تعهد امام صادق علیه السلام به پدرشان، هر چهار گروه را در بر می‌گیرد؛ اما تمرکز نوشتار حاضر به طور خاص بر گروه اول و چهارم

۱. تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۲۷؛ ... قَالَ [الصَّادِقُ علیه السلام] وَ احْتَسِبُ بِمَا تَسْمَعُ؛ وَ لَوْ قَدِمْتَ الْبَصْرَةَ لَقَدْ سَأَلْتَ الْفَضِيلَ بْنَ يَسَّارٍ، وَ اخْبَرْتَهُ بِمَا افْتَبَيْتَ فَتَأَخَذُ بِقَوْلِ الْفَضِيلِ وَ تَدَعُ قَوْلِي...

۲. اختیار معرفة الرجال، ص ۲۱۴؛ رَحِمَ اللَّهُ الْفَضِيلَ بْنَ يَسَّارٍ، وَ هُوَ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ.

۳. همان، ص ۳۵۰؛ عَنْ بُرَيْدِ الْعَجَلِيِّ، قَالَ: كُنْتُ أَنَا وَ ابوالصَّباحِ الْكِنَانِيُّ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَقَالَ: كَانَ أَصْحَابُ أَبِي وَ اللَّهِ خَيْرًا مِنْكُمْ، كَانَ أَصْحَابُ أَبِي وَرَقًا لَأَنْ شَوَّكَ فِيهِ وَ أَنْتُمْ الْيَوْمَ شَوْكٌ لَأَنْ وَرَقَ فِيهِ. فَقَالَ ابوالصَّباحِ الْكِنَانِيُّ: جَعَلْتُ فِدَاكَ! فَتَحَنُّ أَصْحَابُ أَبِيكَ! قَالَ: كُنْتُمْ يَوْمئِذٍ خَيْرًا مِنْكُمْ الْيَوْمَ.

۴. همان، ص ۱۷۶.

۵. همان، ص ۱۸۱.

۶. رجال النجاشی، ص ۱۰.

۷. اختیار معرفة الرجال، ص ۲۰۱.

۸. الکافی، ج ۲، ص ۸۰۴؛ اختیار معرفة الرجال، ص ۲۴۶ تا ۲۴۹.

قرار دارد.

درک صحیح و تحلیل درست از چگونگی تزریق فرهنگ به جامعه شیعی و تبیین جایگاه "أصحابُ اَبی" و کارکرد آن‌ها در پرتو بازخوانی رویدادهای قبل و بعد از زمان امام باقر علیه السلام مقدور خواهد بود.

بازخوانی وضعیت فرهنگی شیعه قبل از امام باقر علیه السلام

وقایع پیش آمده پس از رحلت پیامبر اکرم از جمله: "قرآن‌بسندگی" در جهت تهی‌سازی معرفت دینی از آموزه‌های سنت نبوی^۱ و به کنار گذاشتن اهل بیت علیهم السلام^۲ و درگیری‌های سیاسی و نظامی و حاکمیت اختناق اموی، جامعه را به سمتی پیش برد که فرصت کافی برای ائمه پیش از امام باقر علیه السلام برای بیان آموزه‌های دینی فراهم نیامد.

یکی از نگرانی‌های پُررنگ در سخنان پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله، واژگونی ارزش‌ها و استحاله فرهنگی بود.^۳ حضرتش از روزهایی سخن گفتند که مسلمانان به دلیل کاهلی و جهالت و نیز غفلت از توطئه‌های دشمنان، همرنگ آنان می‌شوند و ارزش‌های گهربار دینی را به فراموشی می‌سپارند. فراگیر بودن چنین فضایی در جامعه اسلامی، زمینه سرنوینی و تباهی را فراهم ساخت؛ در نتیجه حلال خدا،

۱. *الکافی*، ج ۸، ص ۵۹: ...ثُمَّ أَقْبَلَ بِوَجْهِهِ وَ حَوْلَهُ نَاسٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ خَاصَّتِهِ وَ شِيعَتِهِ فَقَالَ قَدْ عَمِلَتْ الْوَلَاءُ قِبَلِي أَعْمَالًا خَالَفُوا فِيهَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مُتَعَمِّدِينَ لِخَلْفَاهُ نَاقِضِينَ لِعَهْدِهِ مُعَيَّرِينَ لِسُنَّتِهِ...

۲. امام حسین علیه السلام نامه‌ای به پنج تن از اشراف بصره درباره کنار گذاشتن اهل بیت بعد از پیامبر به این مضمون نوشتند: أَمَّا بَعْدُ؛ فَإِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عَلَى خَلْقِهِ، وَأَكْرَمَهُ بِنُبُوَّتِهِ، وَاخْتَارَهُ لِرِسَالَتِهِ، ثُمَّ قَبِضَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ، وَقَدْ نَصَحَ لِعِبَادِهِ، وَبَلَغَ مَا أُرْسِلَ بِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَكُنَّا أَهْلَهُ وَأَوْلِيَاءَهُ وَأَوْصِيَاءَهُ، وَوَرَثْتَهُ، وَأَحَقُّ النَّاسِ بِمَقَامِهِ فِي النَّاسِ، فَاسْتَأْثَرَ عَلَيْنَا قَوْمًا بِذَلِكَ، فَرَضَيْنَا وَكَرِهْنَا الْفِرْقَةَ، وَأَحْبَبْنَا الْعَاقِبَةَ، وَنَحْنُ نَعْلَمُ أَنَا أَحَقُّ بِذَلِكَ الْحَقِّ الْمَسْتَحَقِّ عَلَيْنَا مِمَّنْ تَوَلَّاهُ... (تاریخ الرسل والملوک، ج ۵، ص ۳۷۵)

۳. *الکافی*، ج ۸، ص ۳۰۸: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: سَيَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يَبْقَى مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رَسْمُهُ وَ مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا اسْمُهُ يَسْمُونَ بِهِ وَ هُمْ أَبْعَدُ النَّاسِ مِنْهُ مَسَاجِدُهُمْ عَامِرَةٌ وَ هِيَ خَرَابٌ مِنَ الْهَدْيِ فَفَهَاءٌ ذَلِكَ الزَّمَانُ شَرُّ فَفَهَاءٍ تَحْتَ ظِلِّ السَّمَاءِ مِنْهُمْ خَرَجَتْ الْفِتْنَةُ وَ إِلَيْهِمْ تَعَوَّدُ.

حرام و حرام او حلال شمرده شد.^۱

یکی از پدیده‌هایی که بعد از پیامبر به دلیل فاصله‌گیری از نهاد امامت رخ نمود، راه‌یابی تدریجی خودرایی در کشف آموزه‌های دینی بود. نكوهش این پدیده و توجه دادن به پیامدهای ویران‌گر آن را در سخنان امیرالمؤمنین^۲ و امامان بعدی به خصوص امام باقر^۳ و امام صادق^۴ به هنگام برحذر داشتن از اهل رأی می‌توان دید.

دور ماندن جامعه از آموزه‌های برخاسته از قرآن و سنت پیامبر اکرم^ص در اثر گسترش و نفوذ فرهنگ دگرگون و نیز حضور پررنگ چهره‌های فرهنگی تخریب‌گر، درون مایه گزارش‌هایی است که از امام باقر^۵ نقل شده است. گذشت زمان و افزایش تهدید پدیده‌های ویران‌گر، شیعیان را با یک محاصره و تهاجم فرهنگی روبرو کرد که باورهای ایشان را هدف قرار داده بود. آشفتگی و نابسامانی فرهنگی موجود در بستر جامعه شیعی در آغاز امامت امام باقر^۶ نتیجه طبیعی همین محاصره و تهاجم فرهنگی بود.

وضعیت فرهنگی شیعه بعد از امام باقر^۷

امام صادق^۸ در گزارشی به بیان این واقعیت تاریخی پرداخته و وضعیت فرهنگی جامعه شیعه را در آغاز امامت امام باقر^۹ برای عیسی بن السری چنین

۱. مکارم الأخلاق، ص ۴۵۲؛ وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ لِيَأْتِيَ عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَسْتَحِلُّونَ الْحَمْرَ وَيَسْمُونَهُ النَّيِّدَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ أَنَا مِنْهُمْ بَرِيءٌ وَ هُمْ مِنِّي بُرَاءٌ.

۲. نهج البلاغه، ص ۶۰؛ تَرَدُّ عَلَى أَحَدِهِمُ الْقَضِيَّةُ فِي حُكْمٍ مِنَ الْأَحْكَامِ فَيُحَكَّمُ فِيهَا بِرَأْيِهِ ثُمَّ تَرَدُّ تِلْكَ الْقَضِيَّةُ بَعْنِهَا عَلَى غَيْرِهِ فَيُحَكَّمُ فِيهَا بِخِلَافِ قَوْلِهِ ثُمَّ يَجْتَمِعُ الْقَضَا بِذَلِكَ عِنْدَ الْإِمَامِ الَّذِي اسْتَقْضَاهُمْ فَيَصُوبُ أَرَاءَهُمْ جَمِيعاً وَ إِلَهُهُمْ وَاحِدٌ وَ نَبِيُّهُمْ وَاحِدٌ وَ كِتَابُهُمْ وَاحِدٌ - فَأَمَرَهُمُ اللَّهُ [تَعَالَى] سُبْحَانَهُ بِالْإِخْتِلَافِ فَأَطَاعُوهُ أَمْ نَهَاهُمْ عَنْهُ فَعَصَوْهُ.

۳. الأمالی، ص ۵۱؛ يَا زُرَّارَةَ إِيَّاكَ وَ أَصْحَابَ الْقِيَاسِ فِي الدِّينِ...

۴. همان، ص ۵۲؛ لَعْنُ اللَّهِ أَصْحَابَ الْقِيَاسِ...

۵. الكافي، ج ۱، ص ۳۹۳.

ترسیم می‌کنند:

... وَ كَانَتْ الشَّيْعَةُ قَبْلَ أَنْ يَكُونَ ابُو جَعْفَرٍ، وَ هُمْ لَا يَعْرِفُونَ مَنَاسِكَ حَجَّهِمْ وَ حَلَائِهِمْ وَ حَرَامَهُمْ؛ حَتَّى كَانَ ابُو جَعْفَرٍ فَفَتَحَ هُمْ وَ بَيْنَ هُمْ مَنَاسِكَ حَجَّهِمْ وَ حَلَائِهِمْ وَ حَرَامَهُمْ، حَتَّى صَارَ النَّاسُ يَخْتَا جُونَ إِلَيْهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا كَانُوا يَخْتَا جُونَ إِلَى النَّاسِ...^۱

این فراز از گزارش، سه خصوصیت در دوره امامت امام باقر ع را در دل خود جای داده است:

۱. آشفستگی و نابسامانی فرهنگی جامعه شیعه (آغاز امامت امام باقر ع)

دیدیم که امام صادق ع فرمودند: "وَ كَانَتْ الشَّيْعَةُ قَبْلَ أَنْ يَكُونَ ابُو جَعْفَرٍ وَ هُمْ لَا يَعْرِفُونَ مَنَاسِكَ حَجَّهِمْ وَ حَلَائِهِمْ وَ حَرَامَهُمْ." از این جمله به دست می‌آید که برآیند عمومی جامعه شیعه، در محاصره فرهنگی و بیگانگی نسبت به دریافت آموزه‌های معرفتی و احکام فقهی شیعه قرار داشته و آن را از مسیر اصلی خود یعنی ائمه معصومین دریافت نمی‌کردند.

هم‌جواری جامعه شیعه با همسایگانی که پس از رحلت پیامبر اکرم ص راه خویش را از مسیر فرهنگی اهل‌بیت جدا کردند از یک سو، و حاکمیت حکومت‌های غیر شیعی که از نخستین روزها به هدف جدا کردن جامعه از نهاد امامت و جلوگیری از نشر آموزه‌های اصیل و بی‌پیرایه دینی بنا نهاده شده‌اند از سوی دیگر، تهدیدی جدی برای استمرار حیات فرهنگی - اجتماعی شیعیان به‌شمار می‌رفت.^۲ برآیند

۱. همان، ج ۲، ص ۲۰؛ شیعه تا قبل از ابو جعفر [امام باقر ع] مناسک حج و حلال و حرام [احکام و فروع فقهی] خود را به درستی نمی‌دانست تا این‌که دوران امام باقر ع فرا رسید و ایشان دانش را بر شیعیان گشودند و مناسک حج آنان و حلال و حرامشان را به گونه‌ای تبیین کردند که مردم، نیازمند اهل‌بیت گشتند در حالی که پیش از آن شیعیان به دیگران نیازمند بودند.
۲. البته با شروع امامت امام باقر ع این تهدیدها پایان نیافت؛ بلکه دامنه آن، جان شیعیان و به ویژه چهره‌های کوشا در نشر و گسترش فرهنگ شیعی را به خطر می‌انداخت، و حس، تبعید و ب‌هشادت رساندن امامان را نیز به دنبال داشت؛ شدت این تهدیدات تا زمان امام صادق ع ادامه داشت. گاه به اندازه‌ای بود که حتی اگر شیعیان در وقت خواندن نماز، به یک روش عمل می‌کردند، شناسایی شده و جانشان به خطر می‌افتاد. (الکافی، ج ۳، ص ۲۷۶). گزارش کثی از پیام امام صادق ع به زراره،^۳

این تهدیدات محدود شدن جامعه و عدم دریافت آموزه‌ها از مجرای صحیح خود بود.

عبارت: "مِنْ بَعْدِ مَا كَانُوا يَحْتَاكُونَ إِلَى النَّاسِ" اشاره دارد که جامعه شیعه از جهت فرهنگی تحت تاثیر فعالیت شدید زیر گروه‌های برخاسته از مخالفان قرار داشتند، به گونه‌ای که آموزه‌های خود را از آن‌ها می‌گرفتند.

توجه به گفتگوی امام باقر علیه السلام و سدید صیرفی در گزارش زیر می‌تواند فضای آن زمان را آشکار سازد:

... هُوَ لَاءِ [أَبُو حَنِيفَةَ وَ سُفْيَانَ الثَّوْرِي] الصَّادُونَ عَنْ دِينِ اللَّهِ بِلَا هُدَى مِنَ اللَّهِ وَ لَا كِتَابٍ مُبِينٍ. إِنَّ هُوَ لَاءِ الْأَخَابِثِ لَوْ جَلَسُوا فِي بُيُوتِهِمْ، فَجَالَ النَّاسُ فَلَمْ يَجِدُوا أَحَدًا يُخْبِرُهُمْ عَنِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ عَنْ رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ وَسَلَّمَ، حَتَّى يَأْتُونَا فَنُخْبِرُهُمْ عَنِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ عَنْ رَسُولِهِ.^۱

از این گزارش در چگونگی ترسیم فعالیت گسترده برخی از زیر گروه‌های اهل سنت با گرایش‌های متفاوت برای خنثی کردن فعالیت فرهنگی اهل بیت علیهم السلام به خوبی هویدا می‌شود که نتیجه آن جلوگیری از دسترسی به آموزه‌های شیعی است.^۲ به همین دلیل است که امام علیه السلام برای برون‌رفت و عبور دادن جامعه شیعه - و در یک نگاه کلان، عبور دادن جامعه اسلامی از این فضای آلوده - دو برنامه و اقدام اساسی را پی‌ریزی کردند:

به گونه‌ای پرده از چهره این تهدید بر می‌دارد: فَإِنَّ النَّاسَ وَ الْعَدُوَّ يَسَارِعُونَ إِلَى كُلِّ مَنْ قَرَّبَنَاهُ وَ حَمِدْنَا مَكَانَهُ لِإِدْخَالِ الْأَذَى فِي مَنْ نَحِبُهُ وَ نَقْرَبُهُ، وَ يَرْمُونَهُ لِمَحَبَّتِنَا لَهُ وَ قَرْبِهِ وَ ذَنْوِهِ مِنَّا، وَ يَرُونَ إِدْخَالَ الْأَذَى عَلَيْهِ وَ قَتْلَهُ، وَ يَحْمَدُونَ كُلَّ مَنْ عَيْنَاهُ نَحْنُ... (اختیار معرفة الرجال، ص ۱۳۸)

۱. الکافی، ج ۱، ص ۳۹۲؛ ابوحنیفه و سفیان ثوری کسانی هستند که بدون هدایتی از سوی خدا و کتاب مبین، مردم را از دین خدا باز می‌دارند، کاش در خانه‌های خود می‌نشستند و مردم می‌گشتند و کسی را نمی‌یافتند که خدا و رسولش به آن‌ها خبر دهد و نزد ما می‌آمدند تا به آنان درباره خداوند آگاهی دهیم.

۲. رک کتاب: ترجمه /بی حنیفه، دارای متون قابل تأملی در خصوص زوایای مختلف شخصیت ابوحنیفه می‌باشد که از پنجاه کتاب تاریخی - رجالی اهل سنت گزینش و تبویب و فهرست‌نگاری شده است.

الف) هشدارهای مکرر: امام باقر علیه السلام به شاگردان خود نسبت به حضور اثرگذار جامعه رقیب هشدار می‌دادند:^۱

عَنْ زُرَّارَةَ بْنِ أَعْيَنَ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام: يَا زُرَّارَةُ! إِيَّاكَ وَ أَصْحَابَ الْقِيَاسِ فِي الدِّينِ؛ فَإِنَّهُمْ تَرَكُوا عِلْمَ مَا وَكَّلُوا بِهِ، وَ تَكَلَّفُوا مَا قَدْ كُفِّهُوا؛ يَتَأَوَّلُونَ الْأَخْبَارَ وَ يَكْذِبُونَ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ...^۲

ب) تربیت برخی چهره‌ها تا حد مرجعیت علمی: از این میان می‌توان به ابان بن تغلب^۳ که در بین پیروان خلفا دارای جایگاه علمی بود، اشاره کرد. وی به دستور امام در مسجد پیامبر نشسته و به مراجعات علمی مردم پاسخ می‌دادند. به جهت استواری در این جایگاه، نهاد امامت افرادی مانند سلیم بن ابی حیه^۴ و ابان بن عثمان^۵ را برای گرفتن توشه‌های فرهنگی پُر شمار به ابان ارجاع می‌دادند.

ایجاد این نوع مرجعیت علمی دارای جهت‌گیری کلی برای استقرار کارکرد فرهنگی و دین‌گسترانه حدیث داشت که به تبع آن تغییر نگرش عمومی در فضای حاکم جامعه پدیدار گردید.

۲. بنیان نهادن حرکت فرهنگی عمیق و تاثیرگذار توسط امام باقر علیه السلام

۱. بَابُ الْبِدَعِ وَ الرَّأْيِ وَ الْمَقَائِيسِ در کتاب *الكافی* دربردارنده هشدارهای امام باقر علیه السلام می‌باشد که مخاطبان را از افتادن در دام مهلک نظریه‌پردازی مبتنی بر رای شخصی و بدون اتصال به منبع وحی برحذر می‌داشتند؛ به عنوان نمونه: عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ قَالَ حَدَّثَنِي جَعْفَرُ عَنْ أَبِيهِ عليه السلام أَنْ عَلِيًّا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: مَنْ تَصَبَّ نَفْسَهُ لِلْقِيَاسِ لَمْ يَزَلْ دَهْرَهُ فِي التَّبَاسِ. وَ مَنْ دَانَ اللَّهُ بِالرَّأْيِ لَمْ يَزَلْ دَهْرَهُ فِي ارْتِمَاسٍ. قَالَ: وَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: مَنْ أَقْتَى النَّاسَ بِرَأْيِهِ فَقَدْ دَانَ اللَّهُ بِمَا لَا يَعْلَمُ. وَ مَنْ دَانَ اللَّهُ بِمَا لَا يَعْلَمُ فَقَدْ ضَادَّ اللَّهَ حَيْثُ أُحِلَّ وَ حَرَّمَ فِي مَا لَا يَعْلَمُ. (*الكافی*، ج ۱، ص ۵۷)

۲. *الأمالی*، ص ۵۱؛ زراره نقل می‌کند که امام باقر علیه السلام فرمودند: زراره! از کسانی که در دین خدا قیاس می‌کنند بپرهیز؛ چون دانستن آنچه را که به آن مکلف هستند رها ساخته و خود را نسبت به آن چه تکلیفی ندارند به رنج و زحمت افکنده‌اند، آنان اخبار را تاویل می‌کنند و بر خداوند دروغ می‌بندند...

۳. *رجال النجاشی*، ص ۱۰؛ قَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: اجلس في مسجد المدينة و أفت الناس؛ فَإِنِّي أُحِبُّ أَنْ يَرَى فِي شِيعَتِي مِثْلَكَ.

۴. *همان*، ص ۱۳؛ عن سلیم بن ابی حیه قال: كنت عند أبي عبد الله عليه السلام، فلما أردت أن أفارقه ودعته و قلت: أحب أن تزودني، فقال: أيت أبان بن تغلب، فإنه قد سمع مني حديثاً كثيراً، فما روي لك فاروه عن.

۵. *همان*، ص ۱۲؛ عن أبان بن عثمان عن أبي عبد الله عليه السلام: أن أبان بن تغلب روى عن ثلاثين ألف حديث، فاروها عنه.

فقه به عنوان مجموعه آموزه‌های رفتاری که نشان از باورهای عمیق و زیر بنایی مذهبی دارد، مهم‌ترین و شاخص‌ترین مجموعه آموزه‌های دینی را تشکیل داده که استقلال و هویت فرهنگی جامعه شیعه را به دنبال دارد.

شیعه به دلیل پیشینه تاریخی دگرگون و فشار و خفقان بنی‌امیه، امکان علنی ساختن فقه و هویت فرهنگی خویش را در جامعه نداشت.

دیدیم که امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: "حَتَّىٰ كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ فَفَتَحَ لَهُمْ وَ بَيْنَ هُمْ مَنَاسِكَ حَجَّتِهِمْ وَ حَلَالَتِهِمْ وَ حَرَامَتِهِمْ" این جمله نشانگر راهبرد امام باقر علیه السلام برای سامان بخشیدن و انسجام جامعه شیعه و نشر فراگیر آموزه‌های فقهی بود؛ زیرا فقه به مثابه یک بسته معرفتی^۱ است که تمام باورمندان جامعه اسلامی هر لحظه به آن نیاز دارند^۲ و با گسترش و پای‌بندی به آن منجر به جدا سازی جامعه شیعی از جامعه فرهنگی رقیب می‌شود.

۳. استقلال فرهنگی شیعه و اثرگذاری در فرهنگ جامعه رقیب

در حدیث امام صادق علیه السلام خواندیم: "حَتَّىٰ صَارَ النَّاسُ يَحْتَاجُونَ إِلَيْهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا كَانُوا يَحْتَاجُونَ إِلَى النَّاسِ" این جمله پیدایش تحولی بنیادین و دگرگون‌ساز به رهبری و

۱. به کار بردن "بسته معرفتی" گویای این حقیقت است که فقه شیعه بر پایه دو باور هویت پیدا می‌کند:

الف) باور به وجود خداوند متعال و حاکمیت علی الاطلاق او. (ر.ک: گفتگوی منصور بن حازم با امام صادق علیه السلام: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: إِنْ اللَّهَ أَجَلٌ وَ أَكْرَمٌ مِنْ أَنْ يُعْرَفَ بِخَلْقِهِ بَلِ الْخَلْقُ يُعْرَفُونَ بِاللَّهِ، قَالَ صَدَقَتْ...؛ (الكافی، ج ۱، ص ۸۶ / اختیار معرفة الرجال، ص ۴۲۰)

ب) باور به انتصاب ائمه معصوم علیهم السلام از جانب خداوند متعال به عنوان لسان گویای خدا و حجت بین خالق و خلق و از طرف دیگر هر آنچه به عنوان فقه از سوی ایشان بیان شود، عین حق و واقع است: وَ لِكُلِّ ذَلِكَ عِنْدَنَا تَصَارِيفٌ وَ مَعَانٍ تُوَافِقُ الْحَقَّ (اختیار معرفة الرجال، ص ۱۳۹)

۲. مجموعه آموزه‌های فقهی نیاز لحظه به لحظه هر فرد باورمند جامعه ایمانی است، زیرا هر مکلفی در افعال و گفتار و رفتار خود به احکام خمسه تکلیفیه نیاز دارد، اما در مباحث اعتقادی مانند توحید و امامت به دلیل داشتن لایه‌های متفاوت، امکان دسترسی همه افراد به سطوح مختلف آن در مراحل اولیه دین‌باوری نیست؛ بلکه دریافت بخشی از حقیقت در لایه‌های مباحث توحیدی در پرتو تبعیت از امام معصوم قابل دریافت است.

مدیریت امام علیه السلام در رویکرد فرهنگی جامعه شیعی را نشان می‌دهد.

نهاد امامت دارای ویژگی‌هایی چون: برخورداری از دانش لازم برای گستراندن آموزه‌های دینی در بستر جامعه است که پاسخ‌گویی به تمام نیازهای دین‌شناختی^۱ و خدایی بودن این دانش^۲ و خطا ناپذیر بودن^۳ را دربردارد. پیامد آن غنی شدن شیعه از لحاظ محتوا و رخ نمودن هویت فرهنگی مستقل و نیازمندی فرهنگی جامعه اهل سنت به شیعیان بود.

پرسش مهم این است که امام باقر علیه السلام چه گام‌هایی را برای این تحول فرهنگی برداشتند تا جامعه شیعه را از این بستر تاریک عبور داده و به استقلال فرهنگی برسانند؟ و چگونه این تحول فرهنگی به دست آیندگان رسید؟

مدیریت فرهنگی جامعه شیعه توسط امام باقر علیه السلام

ترمیم فرهنگی جامعه شیعیان و ایمن‌سازی آن در برابر تهدیدهای روز افزون جامعه فرهنگی پیروان مکتب خلفا، نیازمند پیاده‌سازی طرح جدید بود؛ طرحی که توان پوشش دادن و برآورده کردن سه هدف اساسی را داشته باشد:

۱. تزییق آموزه‌ها و باورهای گوناگون دینی به جامعه هدف (شیعیان) با نظر داشتن مجموع شرایط و عناصر درونی و بیرونی پیرامون جامعه شیعه^۴؛
۲. دستیابی به هویت فرهنگی مستقل و تأثیرناپذیری از باورهای جامعه فرهنگی

۱. الکافی، ج ۱، ص ۲۶۱؛ عده من أصحابنا منهم عبد الأعلى و ابو عبیده و عبد الله بن بشر الختیمی سمعوا ابا عبد الله علیه السلام يقول: اني لأعلم ما في السموات وما في الأرض وأعلم ما في الجنة وأعلم ما في النار وأعلم ما كان وما يكون. قال: ثم مكث هنيهة، فرأى أن ذلك كبر على من سمعه منه؛ فقال: علمت ذلك من كتاب الله عز وجل، إن الله عز وجل يقول: فيه تبيان كل شيء.

۲. ر.ک: همان، ج ۱، ص ۳۶۰؛ باب أن الأئمة عليهم السلام يعلمون علم ما كان وما يكون وأنه لا يخفى عليهم الشيء صلوات الله عليهم. همان، ج ۱، ص ۲۷۳؛ باب الروح التي يسددها الله بها الأئمة عليهم السلام.

۳. ر.ک: همان، ج ۱، ص ۳۹۹؛ باب أنه ليس شيء من الحق في يد الناس إلا ما خرج من عند الأئمة عليهم السلام وأن كل شيء لم يخرج من عندهم فهو باطل.

۴. ر.ک: نقش عناصر تاریخی در تبیین عقاید اهل بیت عليهم السلام، فصل دوم، ص ۵۷ تا ۱۳۵؛ ر.ک: التاريخ الاسلامي: دروس و عبر.

اهل سنت^۱؛

۳. فراهم آوردن بستری مناسب برای انتقال آموزه‌ها به نسل‌های آینده با کمترین میزان آسیب‌پذیری و بالاترین میزان باورپذیری.

انقلاب فرهنگی امام باقر علیه السلام با بیان "حدیث" ایجاد شد؛ زیرا حدیث، تنها و مهم‌ترین ابزار برای انتقال و گسترش آموزه‌های دینی معصوم در بستر جامعه ایمانی است.

گسست جغرافیایی بین محل زندگی امام و جامعه شیعه، خلایق را پدید آورده بود که برای همه شهروندان جامعه شیعه فرصت برقراری ارتباط حضوری با امام برای دریافت آموزه‌ها ممکن نبود. برای از بین بردن این خلأ چند حالت قابل تصور است: کوچ شیعیان به مدینه جهت دانش‌اندوزی یا اقامت امام در جامعه شیعه (کوفه)^۲؛ در حالی که این دو اتفاق پدیدار نشد، رخداد سوم "تربیت فرهیختگان شیعه در متن جامعه" بود.

جامعه شیعه نیازمند نخبگانی بود که در بالاترین مرتبه دین‌شناسی پس از معصوم قرار بگیرند تا خلأ وجود امام را در مناطق مختلف به جهت نقش آفرینی فرهنگی از میان بردارند.^۳

مهم‌ترین حرکت امام باقر علیه السلام، تربیت راویان کوشا و فرهنگ‌گستر مانند "أصحاب أبی" بود که با دریافت حداکثری آموزه‌های دینی و نشر آن در بستر جامعه فرهنگی

۱. الکافی، ج ۲، ص ۲۰، ... حَتَّى صَارَ النَّاسُ يَحْتَاجُونَ إِلَيْهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا كَانُوا يَحْتَاجُونَ إِلَى النَّاسِ.

۲. از بعضی گزارش‌ها چنین استنباط می‌شود که امام صادق علیه السلام برای مدت محدودی در کوفه اقامت داشتند. (ر.ک: فرحة العری، ص ۵۸)

۳. امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه "وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ" اشاره به خلأ بین امام و شیعیانی نموده که امکان تحصیل آموزه‌ها را به گونه مستقیم ندارند؛ اما خداوند افرادی را به عنوان ابزار کارآمد می‌گمارد تا آموزه‌های اهل بیت را به این افراد برسانند (ر.ک: الکافی، ج ۸، ص ۱۷۸)

شیعه، زمینه ایمن‌سازی آن فرهنگ از انحرافات را فراهم آوردند. محمد بن مسلم با چهار سال اقامت در مدینه، در پی روحیه پرسش‌گری خود، اندوخته‌های دین‌شناختی فراوانی را به دست آورد و به جایگاه دین‌شناس برتر ارتقاء یافت. برآیند آن، سی هزار روایت از امام باقر علیه السلام و شانزده هزار روایت از امام صادق علیه السلام است.^۱

زاره از افرادی بود که در مدینه اقامت گزید و با داشتن وقت اختصاصی بین نماز ظهر و عصر از امام باقر علیه السلام، این امکان برای او فراهم آمد تا در مدت زمان طولانی، آموزه‌های دینی را بی‌واسطه از ایشان فرا بگیرد.^۲

ابان بن تغلب روایات فراوانی را از امام باقر علیه السلام دریافت و به دستور ایشان در مسجد مدینه نشست و فتوی می‌داد.^۳

با نگاه آماری زیر می‌توان روایان دین‌شناس و پُرکار^۴ را - که به دلیل برخورداری حداکثری از آموزه‌های دینی در رفع نیاز و اصلاح فرهنگ جامعه نقش آفریدند - پی‌گرفت:

در کتب اربعه شیعه تعداد ۸۲۷۴ سند^۵ از امام باقر علیه السلام توسط ۳۶۰ راوی نقل شده است که هشت نفر اول بر اساس میزان فراوانی در جدول زیر درج گردیده است:

۱. /اختیار معرفة الرجال، ص ۱۶۷.

۲. /الكافی، ج ۷، ص ۹۴؛ ... فَأَتَيْتُهُ مِنْ أَلَدِ بَعْدَ الظُّهْرِ وَ كَانَتْ سَاعَتِي الَّتِي كُنْتُ أَلُو بِهِ فِيهَا بَيْنَ الظُّهْرِ وَ الْعَصْرِ...

۳. /رجال النجاشی، ص ۱۰؛ اجلس فی مسجد المدینة و أفت الناس، فإنی أحب أن یری فی شیعتی مثلک.

۴. فردی که در طُرُق نقل بسیاری از کتاب‌های قرار گرفته باشد، به عنوان راوی فعال و پر کار و پر تکرار شناخته می‌شود. (اعتبار سنجی احادیث شیعه، ص ۱۷۴)

۵. کاربست واژه "سند" به جای "روایت" به سبب تکراری بودن برخی احادیث در کتب اربعه است.

نام راوی	تعداد سند	درصد
محمد بن مسلم الثقفی	۱۸۶۶ سند	۱۹ / ۲۴٪
زرارة بن اعین الشیبانی	۱۸۶۵ سند	۱۷ / ۲۴٪
یحیی ابوبصیر الاسدی	۴۳۶ سند	۶۵ / ۵٪
محمد بن قیس ابوعبدالله البجلی	۳۸۰ سند	۹۳ / ۴٪
جابر بن یزید الجعفی	۲۹۳ سند	۸۰ / ۳٪
ثابت بن دینار ابوحمزہ الثمالی	۲۴۰ سند	۱۱ / ۳٪
الفضیل بن یسار النهدی	۲۱۰ سند	۷۲ / ۲٪
برید بن معاویه العجلی	۲۰۲ سند	۶۲ / ۲٪

از این آمار به دست می‌آید که ۱۹ / ۷۱ درصد از تراث حدیثی امام باقر علیه السلام توسط هشت راوی کوشا و ۸۱ / ۲۸ درصد دیگر توسط ۳۵۲ راوی دیگر نقل شده است. طرح این پرسش جای دارد که اصحاب پُرکار امام باقر علیه السلام بر پایه کدام ویژگی‌ها و کارکردها به این جایگاه علمی و نقش آفرینی کم‌نظیر در انتقال آموزه‌های شیعی به نسل‌های پس از خود رسیدند؟

کارکردهای فرهنگی مصادیق "أَصْحَابُ أَبِي"

نقش فرهنگی مصادیق "أَصْحَابُ أَبِي" در میان چهار تهدید زیر رخ می‌نماید:

الف) تهی‌دستی فرهنگی همه‌جانبه جامعه شیعه.

ب) سم‌پراکنی گروه‌های تخریب‌گر فرهنگی در کوفه مانند اهل رأی.^۱

ج) تهدید بنیان افکن جریان انحرافی غلو.^۲

د) پدیده گسست جغرافیایی میان جامعه شیعه و امام علیه السلام.

با توجه به چهار پدیده فوق در جامعه شیعه، امام باقر علیه السلام به تربیت افرادی همت

۱. ر.ک: مقاله اصحاب رأی، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۹، ص ۱۲۶ تا ۱۳۲.

۲. ر.ک: اعتبار سنجی احادیث شیعه، ص ۳۹۴.

گماردند تا با فرض عدم حضور امام در بستر جامعه، بتوانند نبض فرهنگی جامعه شیعه را در همه عرصه‌های دینی کنترل کنند. بی‌گمان جامعیت دین‌شناسی، مهم‌ترین نیاز این افراد بود تا بتوانند وظیفه خود در پاسبانی از حریم دین را در زدودن بحران‌های فرهنگی نشان دهند.

از سوی دیگر فرا زمان و مکان بودن فرهنگ غنی اسلام بایسته می‌نمود که مجموعه داشته‌های فرهنگی این افراد به نسل‌های پسین انتقال داده شود تا برای آیندگان راهگشا باشد.

عامل بنیادین محبوب شدن و اعتماد به این افراد خاص، کوشا بودن در دو عرصه دریافت دقیق آموزه‌ها از امام و گستراندن آن‌ها در بستر جامعه به بهترین شکل ممکن است.

آنان با فقه‌مداری و نهادینه کردن آموزه‌های فقهی به تحول و غنای جامعه شیعه می‌اندیشیدند و از طرف دیگر جامعه را از افتادن در دام فقه‌گریزی و اباحه‌گری غالیان برحذر می‌داشتند.

این‌گونه نقش آفرینی، اینان را شایسته دریافت نشان پر افتخار "أصحابُ أبی" به عنوان زنده‌کنندگان و مدافعان فرهنگ دینی می‌کند.^۱

در گزارش‌های مختلف از امام صادق علیه السلام، افزون بر روشن ساختن هویت "أصحابُ أبی"، به کارکرد فرهنگی آن‌ها و دلیل بزرگداشت ایشان اشاره شده است:

۱. مرجعیت در دین‌شناسی

فضای جامعه شیعه در بازه زمانی صادقین علیهم السلام نیاز به دین‌شناسان جامع داشت تا با کوشش و اثرگذاری در بستر جامعه، دگرگونی فرهنگی را رقم زنند.^۲

۱. مستندات سطور فوق در ادامه مطالب این بخش ذکر خواهد شد.

۲. از صدر روایت «عَالِمٌ يَنْتَفَعُ بِعِلْمِهِ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ أَلْفَ عَابِدٍ» (الكافی، ج ۱، ص ۳۳) می‌توان دو ویژگی را برای اصحاب

توان دین‌شناختی همه جانبه "أصحابُ أبي" در مرحله‌ای قرار داشت که به عنوان مخزن علم امام باقر و صادق علیهما السلام و حاملان اسرار معرفی گردیدند. کشی در گزارشی، این کارکرد و توان را چنین حکایت می‌کند: «... وَ كَانُوا عَيْبَةً عَلِمَهُ وَ كَذَلِكَ الْيَوْمَ هُمْ عِنْدِي، هُمْ مُسْتَوْدَعُ سِرِّي...»^۱

کشی در گزارش دیگر از طبقه اول اصحاب اجماع، چهره "أصحابُ أبي" را در جامعیت دین‌شناختی به تصویر کشیده است.^۲

نجاشی در یادکرد یکی از "أصحابُ أبي" یعنی زراره می‌گوید: «زرارة بن أعين... شیخ أصحابنا فی زمانه و متقدمهم... قد اجتمعت فيه خلال الفضل و الدین، صادقاً فیما یرویه».^۳ روشن‌ترین خصوصیتی که بر پایه سخن نجاشی می‌توان برداشت کرد، در برداشتن تمام نشانه‌های فضل و دین در زراره است.

محمد بن مسلم از دیگر راویانی است که با تکیه بر اندوخته‌های علمی خود به عنوان برترین فقهاء شناخته شده^۴ و تا بدان جایگاه ارتقاء می‌یابد که مرجع رفع اختلافات میان زراره و هشام بن سالم قرار می‌گیرد.^۵ نجاشی او را فقیه و مورد اعتمادترین یاران امام معرفی کرده است.^۶

الباقر علیه السلام تصویر کرد: دین‌شناس کامل و جامع به همراه تاثیرگذاری در جامعه.

۱. اختیار معرفة الرجال، ص ۱۳۷.

۲. همان، ص ۲۳۸.

۳. رجال النجاشی، ص ۱۷۵.

۴. اختیار معرفة الرجال، ص ۱۳۶؛ قَالَ أَبُو أَحْمَدَ: فَسَمِعْتُ عَبْدَ الرَّحْمَنِ بْنَ الْحَجَّاجِ وَ حَمَادَ بْنَ عَثْمَانَ يَقُولَانِ: مَا كَانَ أَحَدٌ مِنَ الشَّيْعَةِ أَفْقَهُ مِنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ.

۵. الاختصاص، ص ۵۳؛ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ أَنَّ هِشَامَ بْنَ سَالِمٍ قَالَ لَهُ: مَا اخْتَلَفْتُ أَنَا وَ زُرَّارَةُ قَطُّ فَاتَيْنَا مُحَمَّدَ بْنَ مُسْلِمٍ؛ فَسَأَلْنَاهُ عَنْ ذَلِكَ إِمَّا قَالَ لَنَا قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام فِيهَا كَذَا وَ كَذَا، وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِيهَا كَذَا وَ كَذَا.

۶. رجال النجاشی، ص ۳۲۴.

۲. پاسداری از حریم دین

در گزارش عیسی بن السری مهم‌ترین و گسترده‌ترین کار امام باقر علیه السلام بازگردان حلال و حرام تبیین شده است. در گزارش‌های مختلف دیگر، مصادیق "أصحابُ" اَبی" به‌عنوان حافظان حریم دین مورد توجه قرار گرفته‌اند: «هُؤْلَاءِ حُفَاطُ الدِّينِ»^۱ زیرا در بازگو کردن احکام حلال و حرامی که از امام باقر علیه السلام در اختیار داشتند، امین بودند.^۲ به سبب پاسداری صحیح از این امانت، طالبان علم را برای دریافت بسته‌های معرفتی به آن‌ها ارجاع داده‌اند.^۳

تحول فرهنگی با توجه به دور بودن مرکز استقرار شیعیان (کوفه) از مدینه که امام در آن می‌زیستند، بدون بهره‌گیری از فرهیختگان جامعه شیعی امکان‌پذیر نبود. "أصحابُ اَبی" در دو عرصه دریافت آموزه‌های معارفی و فقهی از امام و گستراندن آن در جامعه شیعی با امانت‌داری کامل به بهترین شکل ممکن، نقش آفرینی کردند.^۴ زنده کردن یاد اهل بیت علیهم السلام^۵ و برپا داشتن یاد امام باقر علیه السلام^۶، پیش‌گیری از فراموش شدن آثار نبوت^۷ و پاسداری از آثار امام باقر علیه السلام^۸ از دیگر کارکردهای

۱. /اختیار معرفة الرجال، ص ۱۳۶.

۲. در گزارش‌های رسیده از امام صادق علیه السلام تکرار و تاکید درباره امانت‌داری «أصحابُ اَبی» قابل مشاهده است: هُوْلَاءِ حُفَاطُ الدِّينِ وَ اَمَنَاءُ اَبی علیه السلام عَلی حَلَالِ اللّٰهِ وَ حَرَامِهِ (همان، ص ۱۳۶)، اَتَمَّنَهُمْ عَلی حَلَالِ اللّٰهِ وَ حَرَامِهِ (همان، ص ۱۳۷)، اَرْبَعَةٌ نَجَبَاءُ اَمَنَاءُ اللّٰهِ عَلی حَلَالِهِ وَ حَرَامِهِ (همان، ص ۱۷۰)، هُوْلَاءِ الْقَوَالُونَ بِالصِّدْقِ (همان، ص ۲۳۹).

۳. همان، ص ۱۳۵ و ۱۶۱.

۴. در انتهای مقاله حاضر اشاره می‌شود که اصحاب اَبی در دریافت و گستراندن احادیث پایبند به سیستمی بودند که امام باقر علیه السلام برای آن‌ها ترسیم کرد، به همین جهت جامعه شیعه احادیث را به بهترین شکل ممکن دریافت کردند.

۵. همان، ص ۱۳۶؛ عَنْ سَلِيْمَانَ بْنِ خَالِدِ الْأَقْطَعِ، قَالَ: سَمِعْتُ اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ علیه السلام يَقُولُ: مَا اَحَدٌ اَحْيَا ذِكْرَنَا وَ اَحَادِيثَ اَبی علیه السلام اِلَّا زُرَّارَةٌ وَ اَبُوصَيْرٍ لَيْثُ الْمُرَادِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ وَ بُرَيْدُ بْنُ مَعَاوِيَةَ الْعِجْلِيُّ...

۶. همان، ص ۱۳۷؛ يَحْيُوْنَ ذِكْرَ اَبی علیه السلام.

۷. همان، ص ۱۷۰؛ لَوْ لَا هُوْلَاءِ انْقَطَعَتْ اَثَارُ النُّبُوَّةِ وَ اَنْدَرَسَتْ.

۸. همان، ص ۱۳۶؛ قَالَ اَبُو عَبْدِ اللّٰهِ علیه السلام: رَحِمَ اللّٰهُ زُرَّارَةَ بْنِ اَعْيُنٍ لَوْ لَا زُرَّارَةُ بْنُ اَعْيُنٍ لَوْ لَا زُرَّارَةٌ وَ نَظْرَاؤُهُ لَأَنْدَرَسَتْ اَحَادِيثُ اَبی علیه السلام.

"أصحابُ أبي" در جهت دفاع از حریم دین نام برده شده است.

۳. توانمندی در زدودن بحران‌های فرهنگی

همان‌گونه که گذشت، در راهبرد امام باقر علیه السلام، گسترش همه جانبه و فراگیر آموزه‌های فقهی در اولویت نخستین قرار گرفت. از سوی دیگر جریان‌های انحرافی مانند غالیان، زدودن فقه مداری و گسترش اباحه‌گری را در دستور کار خود قرار داده بودند؛^۱ با توجه به این دو واقعیت مهم، خوانش گزارش‌های زیر معنا و مفهومی ویژه پیدا می‌کند:

کشی در رجال خود گزارش می‌کند: "بِهِمْ يَكْشِفُ اللَّهُ كُلَّ بَدْعَةٍ يَنْفُونَ عَنْ هَذَا الدِّينِ اِتِّحَالَ الْمُبْطِلِينَ وَ تَأْوِيلَ الْعَالِينَ"^۲ این گزارش به روشنی به بیان کارکرد راویان دین‌شناسی می‌پردازد که وجود خود را ظرف آموزه‌های هدایتی فراگرفته از نهاد امامت قرار داده‌اند؛ کارکردی که در پرتو بهره‌گیری دانش دینی از مجرای عصمت و کاربست درست آن در عرصه اجتماع - نقشی چون نقش امامان که در ضمن حدیث پیامبر گرامی در کتاب قرب الإسناد^۳ بدان اشارت رفته است - برای این گروه از راویان رقم می‌زند. این نقش عبارت است از: پیراستن دین از تحریف گزافکاران و ساخته‌های باطل پسندان و تأویل نادانان.

نکته در خور درنگ در گزارش «فَإِنَّكَ أَفْضَلُ سُنَنِ ذَلِكَ الْبَحْرِ الْمُمَقَّامِ الرَّاحِرِ»^۴ یادکرد از زراره به عنوان ایمن‌ترین کشتی فرهنگی در اقیانوس عمیق متلاطم و توفان زده است که بستری امن و پیراسته از هر کژی را برای دریافت آموزه‌های دینی فراهم

۱. ر.ک: دعائم الإسلام، ص ۴۸ تا ۵۰.

۲. /اختیار معرفة الرجال، ص ۱۳۷.

۳. قرب الإسناد، ص ۷۷: «أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ قَالَ: «فِي كُلِّ خَلْفٍ مِنْ أُمَّتِي عَدْلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، يُنْفِي عَنْ هَذَا الدِّينِ تَحْرِيفَ الْعَالِينَ، وَ اِتِّحَالَ الْمُبْطِلِينَ، وَ تَأْوِيلَ الْجُهَالِ...»

۴. /اختیار معرفة الرجال، ص ۱۳۹.

می‌آورد؛ پر واضح است که خارج از چنین مسیری امکان انحراف و نرسیدن به حقیقت دین وجود دارد.

این گزارش‌ها رویارویی مستقیم و همه‌جانبه "أصحابُ اَبی" به وسیله نشر آموزه‌ها در برابر تهدیدها و انحراف‌ها را نشان می‌دهد. توان ایمن‌سازی فرهنگی از طرف آن‌ها بحران‌های فرهنگی جریان‌های منحرف را می‌زداید و جامعه را از کژی‌ها و ناراستی‌ها عبور می‌دهد. این پدیده تا آن‌جا ادامه یافت که مخالفان، تاب ایستادگی در برابر حرکت فرهنگی عمیق و همه‌جانبه و هدف‌دار امام باقر علیه السلام را نداشتند. جمیل بن دراج در گزارش کوتاهی نقش تاثیرگذار یاران آن حضرت را در زدودن جریان انحرافی غلوّ نمایانده و می‌گوید: غالیان را بر اساس بغض‌شان نسبت به مصادیق "أصحابُ اَبی" شناسایی می‌کردیم.^۱

۴. راه‌گشایی برای نسل‌های آینده

استمرار حیات احادیث امام باقر علیه السلام و جلوگیری از نابودی و به فراموشی سپردن آن، مدیون تلاش‌های "أصحابُ اَبی" است: لَوْ لَا زُرَّارَةٌ وَ نَظْرَاؤُهُ لَأَنْدَرَسَتْ أَحَادِيثُ اَبی علیه السلام.^۲ از طرف دیگر این افراد کوشا امکان دریافت و کشف حقیقت دین را برای نسل‌های پسین فراهم آوردند: وَ لَوْ لَا هَؤُلَاءِ مَا كَانَ أَحَدٌ يَسْتَنْبِطُ هَذَا...^۳

برون‌دادِ تعهد امام صادق علیه السلام به پدرشان نسبت به اصحاب پدر

همان‌طور که اشاره گردید، امام صادق علیه السلام به پدرشان تعهد دادند: فدایت گرم، به خدا سوگند زمانی آن‌ها (اصحاب اَبی) را رها می‌کنم که هر یک از آنان در شهری که قرار دارد، نیاز به پرسیدن از کسی نداشته باشد.^۴

۱. همان، ص ۱۳۸؛ قَالَ جَمِيلٌ: وَ كُنَّا نَعْرِفُ أَصْحَابَ اَبی الْخَطَّابِ بِبُغْضِ هَؤُلَاءِ رَحْمَةَ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ.

۲. همان، ص ۱۳۶.

۳. همان، ص ۱۳۶؛ "هَذَا" در این روایت اشاره به دین دارد.

۴. الكافی، ج ۱، ص ۳۰۶؛ جُعِلَتْ فِدَاكَ وَ اللّٰهِ لَأَدْعَنَّهُمْ وَ الرَّجُلُ مِنْهُمْ يَكُونُ فِي الْمِصْرِ فَلَا يَسْأَلُ أَحَدًا.

نکته در خور درنگ این است که امام صادق علیه السلام وقتی از "أصحابُ أبي" به عنوان مخزن علم امام^۱، حافظان دین^۲، امانت داران در بازگویی احکام^۳ یاد می‌کند، به جامعیت آن‌ها اشاره کرده است.

تعهد امام به پدر خود، روی دادنِ اتفاقات جدید در جامعه مسلمین را نشان می‌دهد. از یک جهت جامعه رقیب با اجرای طرح‌های فرهنگی به دنبال تخریب بنیان‌های فرهنگی شیعه بود و از سوی دیگر، اصحاب امام از آگاهی کافی و همه جانبه نسبت به زوایا و ابعاد طرح‌های آن‌ها برخوردار نبودند.

پرواضح است که جامعه شیعه با توجه به نیازها و چالش‌ها و تهاجم‌های فرهنگی جدید، نیازمند تسلیح و تجهیز مجدد جهت تقویت زیرساخت‌ها و غنی‌سازی و ایمن‌سازی فرهنگ شیعی بود. در این بازه زمانی تنها برای امام که آگاه نسبت به آینده و پدیده‌های پدیدار شده آگاهی کامل دارد، توان تشخیص نیازها وجود دارد. طبیعی است که چنین امامی بهترین راهکار را برای موضع‌گیری جامعه شیعه در برابر بحران‌ها و رخدادهای فرهنگی در آینده ارائه می‌دهد.^۴

پیامد گام‌هایی که امام نسبت به افزایش توان دین‌شناختی برای رساندن به مرحله شایسته فقاوت و مرجعیت علمی برداشتند، در گزارش جمیل بن دراج نمودی

← جالب توجه است که امام صادق علیه السلام تعهد خود را با سه تأکید بیان کردند که حکایت‌گر اهمیت بسیار زیاد دغدغه امام باقر علیه السلام است: الف) شروع این جمله با قسم "وَاللَّهِ" (ب) لام بر سر فعل مضارع (ج) نون تأکید تقیله.
۱. /اختیار معرفة الرجال، ص ۱۳۷؛ كَانُوا عَيْبَةَ عِلْمِهِ وَ كَذَلِكَ الْيَوْمَ هُمْ عِنْدِي، هُمْ مُسْتَوْدَعٌ سِرِّي.
۲. همان، ص ۱۳۶.

۳. همان، ص ۱۳۶ و ۱۳۷ و ۱۷۰ و ۲۳۹.

۴. یکی از موارد تأکید امام صادق علیه السلام به کتابت و انتشار حدیث بین عموم جامعه شیعه، وجود اتفاقاتی است که آیندگان با آن روبرو هستند و با استفاده از کلام امام از آن عبور خواهند کرد: قَالَ ابُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: «اَكْتُبْ وَ بَثَّ عِلْمَكَ فِي إِخْوَانِكَ؛ فَإِنَّ مِتَّ فَأَوْرَثَ كُتُبِكَ بَنِيكَ، فَإِنَّهُ يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ هَرَجَ لَأَ يَأْسُونَ فِيهِ إِلَّا بِكُتُبِهِمْ». (الكافي، ج ۱، ص ۵۲)

آشکار پیدا کرده است^۱ تا نشان دهد امام صادق علیه السلام تعهد خود را در قبال دغدغه‌های امام باقر علیه السلام و برون داد علمی آن به انجام رسانده است.

برون داد علمی تعهد امام صادق علیه السلام

در میان نگاهشده‌های حدیثی، گزارش‌های فراوانی از امام صادق علیه السلام در جهت شناخت منزلت شیعیان و اصحاب می‌توان دید، از جمله: «اعْرِفُوا مَنَازِلَ شِيعَتِنَا بِقَدْرِ مَا يُحْسِنُونَ مِنْ رِوَايَاتِهِمْ عَنَّا، فَإِنَّا لَا نَعُدُّ الْقَفِيَةَ مِنْهُمْ قَفِيهَا حَتَّىٰ يَكُونَ مُحَدِّثًا؛ فَقِيلَ لَهُ: أَوْ يَكُونَ الْمُؤْمِنُ مُحَدِّثًا؟ قَالَ: يَكُونُ مُفْهَمًا وَ الْمُفْهَمُ مُحَدِّثٌ»^۲.

در روایت پیش‌رو، شناخت منزلت شیعیان را به اندازه توجه دادن به کارکرد دین گسترانه و انتقال احادیث به بهترین شکل ممکن به جامعه می‌داند که در عبارت "بِقَدْرِ مَا يُحْسِنُونَ مِنْ رِوَايَاتِهِمْ عَنَّا" بدان اشارت رفته است.

طبیعی است که هر چه دامنه دین‌گستری راوی افزایش یابد، جامعیت علمی او فراتر می‌رود تا آنکه به مقام فقاقت و دین‌شناسی دست می‌یازد. این مقامی است که به دلیل ارتباط پیوسته با امام، به دست آمده، به گونه‌ای که از آن به مقام "تحديث"^۳ یاد می‌شود.^۴

از نکته سابق چنین برمی‌آید که "مَنَازِلَ شِيعَتِنَا" در بیان شاخصه راویان مورد وثوق برای دریافت آموزه‌های صحیح است که پرآوازه‌ترین آن‌ها "أَصْحَابُ أَبِي" - به عنوان تمام نمای تفکر شیعه - است که عبارت بودند از: زراره، محمد بن مسلم، ابوبصیر، برید و...

۱. /اختیار معرفة الرجال، ص ۱۳۷؛ كانوا عبيبة علميه و كذلك اليوم هم عندي، هم مستودع سري.

۲. همان، ص ۳؛ منزلت شیعیان ما را به اندازه آنچه از روایات ما می‌دانند بشناسید؛ چرا که ما شیعه فقیه را فقیه نمی‌دانیم تا آنکه محدث باشد. از امام سؤال شد: آیا مؤمن هم محدث می‌شود؟ حضرت فرمود: مؤمن، مفهم است و مفهم همان محدث است.

۳. رک کتاب: آموزه تحديت در خوانش شیعه و اهل سنت.

۴. عيون أخبار الرضا عليه السلام؛ ج ۱، ص ۳۰۷؛ عَنْ عَبْدِ بْنِ هِلَالٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام يَقُولُ: إِنِّي أُحِبُّ أَنْ يَكُونَ الْمُؤْمِنُ مُحَدِّثًا. قَالَ: قُلْتُ: وَ أَى شَيْءٍ الْمُحَدِّثُ؟ قَالَ: الْمُفْهَمُ.

چنین افرادی از علم امام لبریز شده و در کوفه به دین‌گستری پرداختند؛ چنانکه با تهاجم‌های فرهنگی یا سوء برداشت‌های برخاسته از متن جامعه در تقابل بود و با ارتزاق فکری از جانب امام به عنوان مخزن علم و حامل اسرار امام مطرح گردیدند،^۱ به گونه‌ای که آن‌ها را به چراغ هدایت فراوی جامعه شیعه^۲ و ایمن‌ترین کشتی فرهنگی در اقیانوس عمیق متلاطم و طوفان زده تبدیل کرد.^۳

گزارش‌های فراوان در کتاب‌های حدیثی و رجالی، تحقق برون‌داد علمی مصادیق "أَصْحَابُ أَبِي" را در دو حیطة - یعنی مرجعیت علمی آن‌ها در پاسخ‌گویی به نیازهای دین‌شناختی و هم‌چنین شاگردپروری - رخ می‌نمایند:

الف) مرجعیت علمی در برطرف‌ساختن نیازهای دین‌شناختی

دست‌رسی به امام، همیشه و به راحتی امکان‌پذیر نبود، لذا چاره‌ی کار در رجوع به افرادی قرار داشت که توان‌مندی ایشان در پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و نیازهای دین‌شناختی مورد تأیید امام بود و آن‌ها را قابل اعتماد می‌خواند؛ پنج گزارش زیر، هر دو شاخصه را در دل خود جای داده‌است:

گزارش نخست: کشی از یونس بن یعقوب روایت کرده که گفت: ما نزد امام صادق علیه السلام بودیم. آن حضرت فرمود: «أَمَا لَكُمْ مِنْ مَفْرَعٍ؟ أَمَا لَكُمْ مِنْ مُسْتَرَا حٍ تَسْتَرِيحُونَ إِلَيْهِ؟ مَا يَمْتَعِكُمْ مِنَ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِيرَةِ النَّصْرِيِّ؟»^۴

گزارش حاضر با توجه به گزینش واژه‌ها در قالب استفهام انکاری، در پی تفهیم این نکته است که در بستر جامعه فرهنگی شیعه راویانی وجود دارند که بی‌هیچ

۱. /اختیار معرفة الرجال، ص ۱۳۷؛ كَانُوا عِيْبَةً عَلِمَهُ ...

۲. همان، ص ۱۳۷؛ هُمْ نَجْمٌ شِيعَتِي أَحْيَاءٌ وَ أَمْوَاتٌ يَحْيُونَ.

۳. همان، ص ۱۳۹؛ ... فَإِنَّكَ أَفْضَلُ سَفْنٍ ذَلِكَ الْبَحْرُ الْقَمَقَامِ الزَّآخِرِ.

۴. همان، ص ۳۳۷؛ "آیا شما پناهگاه ندارید؟ آیا شما جایگاه آرامش که در پرتو آن آرامش یابید ندارید؟ چه چیز جلوگیری شماست از مراجعه به حارث بن مغیره نصری؟"

دغدغه، می‌توان از آن‌ها آموزه‌های دینی را دریافت کرد.

گزارش دوم: عبدالله بن ابی‌یعفور به‌امام صادق علیه‌السلام عرض کرد: من در هر ساعت که بخواهم، نمی‌توانم شما را ملاقات کنم و امکان نمی‌یابد خدمت شما مشرف شوم. گاهی برخی از اصحاب ما به نزد من می‌آیند و از من چیزی می‌پرسند و من پاسخ همه آن پرسشهای آنها را نمی‌دانم. حضرت فرمود: «فَمَا يَمْنَعُكَ مِنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ التَّقْفِي فَإِنَّهُ قَدْ سَمِعَ مِنْ أَبِي وَكَانَ عِنْدَهُ وَجِيهًا»^۱.

این گزارش نشان از دغدغه عبدالله بن ابی‌یعفور درباره فراهم نبودن همیشگی دسترسی به امام دارد؛ امام صادق علیه‌السلام در فرونشاندن این دغدغه، وی را به محمد بن مسلم ارجاع می‌دهند. فراز آخر گزارش در پی بیان این نکته است که با وجود محمد بن مسلم و اندوخته‌های دین‌شناختی او جای دغدغه و تردیدی برای دریافت آموزه‌های دینی از وی نیست.

گزارش سوم: کشی از شعیب عرقوفی روایت کرده که گفت: به امام صادق علیه‌السلام عرض کردم: چه بسا ما نیازمند شدیم در مورد چیزی از کسی بپرسیم، از چه کسی بپرسیم؟ فرمود: عَلَيْكَ يَا أَسَدِي، يَعْنِي أَبَا بَصِيرٍ.^۲

امام صادق علیه‌السلام به دلیل توان دین‌شناختی و کارآمدی که در ابوبصیر سراغ داشت، شعیب عرقوفی را به ایشان - که دایی شعیب^۳ است - ارجاع می‌دهند.

گزارش چهارم: با بررسی گزارش‌های رجال کشی به گزارشی بر می‌خوریم که نشان از دغدغه فیض‌بن‌مختار دارد؛ دغدغه‌ای که جز با اطمینان قلب و آرامش خاطر فرو نمی‌نشیند. امام صادق علیه‌السلام به هدف فرو نشاندن این دغدغه و رساندن به

۱. همان، ص ۱۶۱؛ "چرا از محمد بن مسلم تقفی نمی‌پرسی؟ او مسائل را از پدرم شنیده، و نزد او بسیار محترم بود."

۲. همان، ص ۱۷۱.

۳. رجال النجاشی، ص ۱۹۵؛ شعیب العرقوفی ابویعقوب ابن أخت أبي بصير يحيى بن القاسم.

آرامش، او را به زراره ارجاع می‌دهند.^۱

گزارش پنجم: امام صادق علیه السلام، علی بن سعید بصری را به فضیل بن یسار ارجاع داده و مقام علمی او را تأیید کرده است.^۲

توجه به این نکته سودمند است که در میان راویانی که به عنوان مرجع پاسخگویی به پرسش‌های دین‌شناختی اصحاب معرفی شدند، مصادیق "أَصْحَابُ أَبِي" را می‌توان یافت؛ همان‌هایی که امام صادق علیه السلام متعهد گردیدند که آن‌ها را به قله فقاقت رسانند؛ تا به آن حدّ که بی‌نیاز از پرسیدن باشند، در حالی که دیگران برای دریافت پاسخ‌های خود به آن‌ها نیازمند بودند.

به عنوان شاهد، می‌توان به کلام نجاشی استناد کرد که درباره‌ی علاقه و اشتیاق جامعه مدینه به فراگیری آموزه‌های دینی از ابان می‌گوید: "هر گاه ابان بن تغلب به مدینه می‌رفت، مردمان مدینه برای استماع حدیث و استفاده‌ی مسائل بر او هجوم می‌آوردند، چنان‌که غیر از ستون مسجد النبوی، جای خالی باقی نمی‌ماند."^۳

ب) شاگردپروری و انتقال تراث به نسل‌های پسین

پیامد مرجعیت علمی، تربیت شاگرد برای انتقال احادیث به نسل‌های آینده است. در این فراز به خوانش گزارش‌هایی پرداخته می‌شود که چهره‌ی علمی افرادی مانند محمد بن مسلم و زراره در شاگردپروری را نشان دهد.

نجاشی مهم‌ترین شاخصه‌ی محمد بن مسلم را "فقه‌مداری" می‌داند^۴ و در ضمن سخن از علاء بن رزین به عنوان چهره‌ای سرشناس و قابل اعتماد، به شاگردپروری

۱. /اختیار معرفة الرجال، ص ۱۳۵.

۲. تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۲۷.

۳. رجال النجاشی، ص ۱۱؛ و کان أبان إذا قدم المدينة تقوضت إليه الحلق، و أخلیت له ساریة النبوی صلی الله علیه و آله.

۴. همان، ص ۳۲۳؛ با کناره هم چیدن توصیف «فقیه» در شرح حال محمد بن مسلم و «فقه علیه» در شرح حال علاء بن رزین، می‌توان «فقه‌مداری» یا «فقاقت» را مهم‌ترین شاخصه‌ی محمد بن مسلم نزد اصحاب برشمرد.

و فقاہت محمد بن مسلم اشاره می‌کند،^۱ زیرا علاء فقه را از او آموخته است و بیشترین رابطه‌ی روایی با احادیث محمد بن مسلم دارد.

همو به هنگام نمایش از چهره علمی زرارہ، او را مجسمه فضل و دین می‌داند.^۲ جمیل بن دراج از برترین فقیهان طبقه دوم اصحاب اجماع،^۳ جایگاه دین‌شناختی و بالندگی علمی خویش را مرهون آموزه‌هایی می‌داند که از زرارہ فرا گرفته است.^۴ جدول زیر میزان دریافت آموزه‌های دینی برخی از مصادیق «اصحاب ابی» از صادقین علیهم‌السلام و تعداد روایانی که آن آموزه‌ها را به نسل بعد انتقال دادند، به تصویر کشیده است.

تعداد سندهای نقل شده از امام باقر <small>علیه‌السلام</small> در کتب اربعه: ۸۲۷۴				
تعداد سندهای نقل شده از امام صادق <small>علیه‌السلام</small> در کتب اربعه: ۳۱۴۵۱				
نام راوی	مقدار نقل از امام باقر <small>علیه‌السلام</small>	مقدار نقل از امام صادق <small>علیه‌السلام</small>	جمع نقل از دو امام	تعداد روایان انتقال‌دهنده
محمد بن مسلم	۱۸۶۶	۱۲۹۰	۳۱۵۶	۱۰۶
زرارة بن اعین	۱۸۶۵	۸۱۰	۲۶۷۵	۹۳
ابو بصیر الاسدی	۴۳۶	۲۰۲۲	۲۴۵۸	۱۴۹
برید بن معاویه	۲۰۲	۱۳۸	۳۴۰	۳۷

در نمودار زیر، روایان نسل اول امام باقر علیه‌السلام (أَصْحَابُ أَبِي) به عنوان سرشاخه

۱. همان، ص ۲۹۸؛ العلاء بن رزین القلاء ثقفی... و صحب محمد بن مسلم و فقه علیه و کان ثقة وجه.

۲. همان، ص ۱۷۵؛ زرارة بن اعین بن سنسن... شیخ اصحابنا فی زمانه و متقدمهم، و کان قارئا فقیها متکلما شاعرا ادبیا، قد اجتمعت فیہ خلال الفضل و الدین، صادقاً فی ما یرویہ.

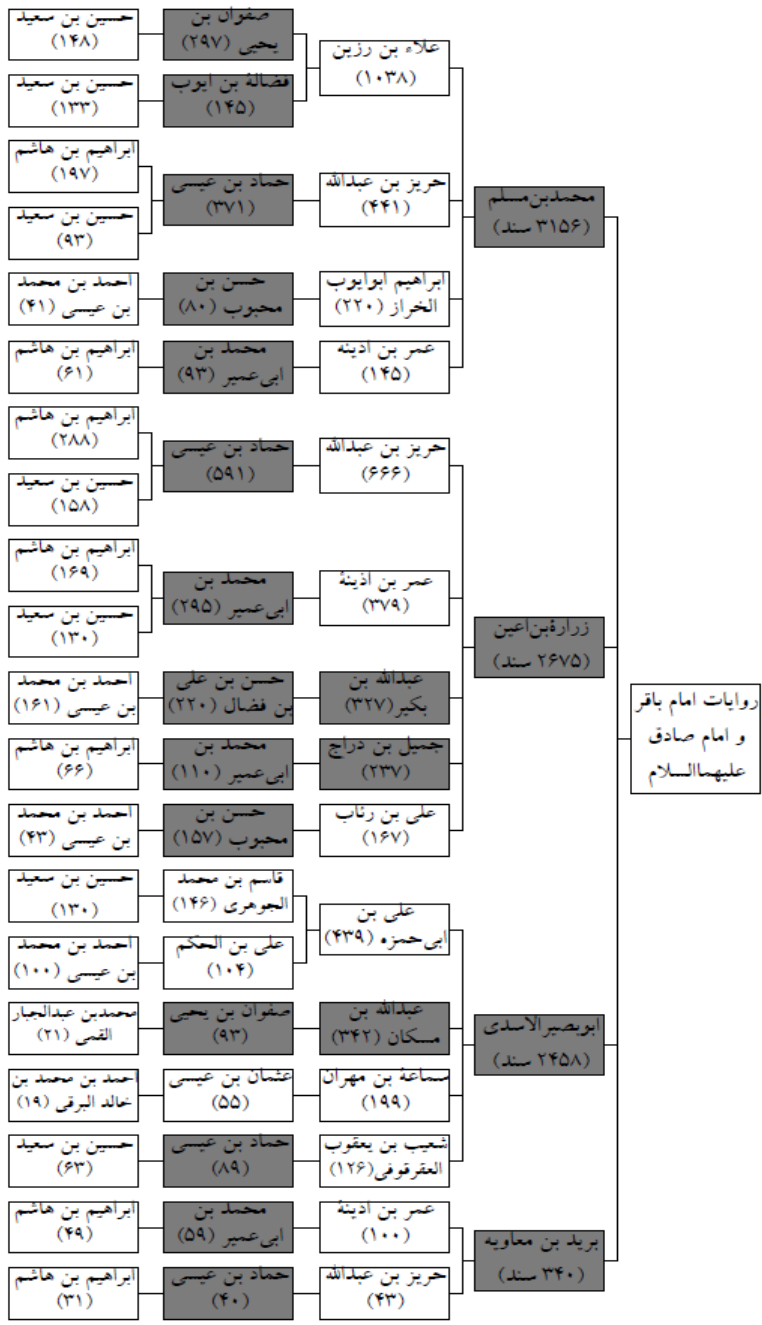
۳. اختیار معرفة الرجال، ص ۳۷۵.

۴. همان، ص ۱۳۴؛ جمیل بن دراج در پاسخ به تعجب ابی عمیر، تمام داشته‌های علمی خود را مرهون زرارہ می‌دانست: اِی وَ اللّٰهِ مَا کُنَّا حَوْلَ زَرَّارَةَ بْنِ اَعْنَانَ اِلَّا بِمَنْزِلَةِ الصَّبِيَّانِ فِي الْكُتَابِ حَوْلَ الْمُعَلِّمِ، ما پیرامون زرارہ مانند کودکانی هستیم که بر گرد معلم خود نشسته‌اند.

اصلی زنجیره انتقال آموزه‌های شیعه و همچنین ارتباط میان آن‌ها و شاگردان پرتکرارشان در نسل‌های پسین در انتقال میراث حدیثی کوفه به قم قابل مشاهده است.

با توجه به اهمیت داده‌ها و نمایش نموداری آن‌ها، یک نمونه جهت استفاده بهتر مورد بررسی قرار می‌گیرد: در کتب اربعه محمد بن مسلم مقدار ۳۱۵۶ سند از آموزه‌های دریافتی از صادقین علیهم‌السلام را گرد آورده است؛ این اسناد در قالب ۱۰۶ راوی^۱ به نسل‌های پسین منتقل شده که علاء بن رزین به عنوان یکی از شاگردان پرتکرار وی تعداد ۱۰۳۸ سند از او نقل کرده است. در نسل بعدی صفوان بن یحیی از طریق علاء بن رزین تعداد ۲۹۷ سند از این آموزه‌ها را دریافت و تعداد ۱۴۸ سند آن، از طریق حسین بن سعید به حوزه حدیثی قم انتقال یافته است.

۱. در شمار راویان از محمد بن مسلم با ۱۰۶ نفر مواجه هستیم که تعداد ۸ نفر بیشترین روایت را از او نقل کرده‌اند. می‌توان این افراد را به عنوان شاگرد و انتقال دهنده‌های اصلی آموزه‌های محمد بن مسلم قلمداد کرد.



یافته‌های بسیاری را می‌توان از این نمودار درباره انتقال تراث استنباط کرد؛ از جمله:

الف) نام‌برندگان در سلسه شاگردان "أَصْحَابُ أَبِي"، به عنوان افراد پرکار و شناخته شده در انتقال میراث فرهنگی شیعه هستند که بیشترین آن‌ها توثیق خاص دارند و تعدادی از آنها با مبانی توثیق عام، قابل توثیق هستند؛ مانند: علی بن ابی حمزه بطائنی و قاسم بن محمد جوهری و حسن بن علی بن فضال.^۱

ب) نه تنها مصادیق "أَصْحَابُ أَبِي"، یعنی زراره و محمد بن مسلم و ابوبصیر و برید از طبقه اول اصحاب اجماع هستند^۲، بلکه مهم‌ترین شاگردان و نیز شاگردان شاگردان آن‌ها از اصحاب اجماع به شمار می‌آیند؛ افرادی مانند جمیل بن دراج و عبدالله بن مسکان و عبدالله بن بکیر و حماد بن عیسی به عنوان طبقه دوم اصحاب اجماع^۳ و افرادی مانند: صفوان بن یحیی و محمد بن ابی عمیر و حسن بن محبوب و حسن بن علی بن فضال و فضالة بن ایوب و عثمان بن عیسی از اصحاب اجماع در طبقه سوم متولی انتقال تراث به نسل‌های بعدی هستند.^۴ (این راویان با رنگ خاکستری در نمودار نشان داده شده‌اند).

ج) در ترجمه بعضی از شاگردان "أَصْحَابُ أَبِي" که در نمودار قرار دارند، با عباراتی

۱. اگر راوی در کارکرد اصلی (صاحب اثر بودن) و همچنین در کارکرد تبعی خود (ناقل اثر راوی دیگر بودن) موفق عمل کرده باشد، به وثاقت مطلق توصیف می‌شود؛ ولیکن اگر راوی در کارکرد اصلی خود تضعیف شده یا ناشناخته باشد اما در کارکرد تبعی خود - مسیر انتقال آثار راویان پیشین - مورد اطمینان و اعتماد اصحاب قرار گرفته باشد به وثاقت نسبی متّصف می‌گردد. (ر.ک:

اعتبارسنجی احادیث شیعه، ص ۱۹۶)

۲. اختیار معرفة الرجال، ص ۲۳۸.

۳. همان، ص ۳۷۵.

۴. همان، ص ۵۵۶.

مانند «قرأت، سمعت، له کتاب رواه عنه جماعات من الناس»^۱ یا «له کتب یرویها جماعة»^۲ روبرو می‌شویم. این‌گونه کلمات، اشاره به طراحی سیستم نگارش کتاب‌های حدیثی از سوی اهل بیت علیهم‌السلام و تلاش شاگردان نسل اول برای انتقال حدیث شیعه به نسل‌های پسین در سامانه طراحی شده توسط امام دارد.^۳ بسیاری از نگاشته‌های اصحاب در این فرایند روش‌مند مورد استقبال چشم‌گیر جامعه شیعه قرار گرفت.^۴

آشکار است که این امر، مانع جدی بر سر راه تحریف و دگرگون‌سازی آموزه‌های یک کتاب حدیثی است؛ حسن بن علی الوشاء^۵ یا حسن بن علی بن فضال^۶ به عنوان نمونه عینی، کتاب‌ها و احادیث را بر شاگردان خود قرائت می‌کرده است. آن‌ها نیز پس از سماع و قرائت بر استاد و دریافت اجازه نقل روایت از وی، این احادیث را در کتاب‌های خود ثبت می‌کردند. پس از گذشت این فرایند، بعضی از کتاب‌ها شیوع فراوانی پیدا می‌کرد. بدین جهت امکان جعل و تحریف و دس در این‌گونه از میراث احادیث به شدت کاهش یافته و مورد اعتنا قرار نمی‌گیرد.

۱. رجال النجاشی، ص ۱۲۷؛ مدخل جمیل بن دراج.

۲. همان، ص ۲۹۸؛ مدخل العلاء بن رزین القلاء.

۳. راقمان سطور در پژوهش‌های مستقل تحت عنوان: الگوریتم سامانه انتقال حدیث شیعه به نسل‌های پسین^۲ به بیان زیرساخت‌های روش‌مند امام باقر و امام صادق علیهم‌السلام برای انتقال حدیث شیعه به نسل‌های آینده پرداخته‌اند؛ امید آن‌که به زودی انتشار یابد.

۴. با جستجوی کلیدواژه‌های: "عدة، جماعة، جماعة کثیرة، جماعات، خلق" در کتاب رجال نجاشی می‌توان به فراوانی و شیوع گسترده کتاب‌های اصحاب پی‌برد.

۵. احمد بن محمد بن عیسی از مشایخ مهم حوزه حدیثی قم است که نام او در نمودار پیش‌رو آمده است، وی برای دریافت کتاب علاء بن رزین به حسن بن علی الوشاء مراجعه نموده و از او درخواست می‌کند که کتاب علاء و کتاب ابان را به او اجازه دهد اما وشاء اجازه خود را مشروط به استنساخ و سماع قرار می‌دهد. (رجال النجاشی، ص ۳۹) از طریقی که نجاشی بر کتاب علاء ذکر می‌کند نشان‌گر آن است که احمد بن محمد بن عیسی این شرط را پذیرفته و کتاب را نزد الوشاء سماع کرده است. (همان، ص ۲۹۸)

۶. فضل بن شاذان درباره نوع درس‌آموزی خود از حسن بن علی بن فضال می‌گوید: ... ثُمَّ خَرَجْتُ إِلَيْهِ بَعْدَ إِلَى الْكُوفَةِ، فَسَمِعْتُ مِنْهُ كِتَابَ ابْنِ بُكَيْرٍ وَ غَيْرَهُ مِنَ الْأَحَادِيثِ، وَ كَانَ يَحْمِلُ كِتَابَهُ وَ يَجِيءُ إِلَى حَجْرَتِي فَيَقْرؤُهُ عَلَيَّ... (همان، ص ۳۵) / اختيار معرفة الرجال، ص ۵۱۶)

د) مصادیق "أصحاب أبي" شنیده‌های خود از صادقین عليه السلام را در الواح^۱ یا کتاب‌های منسجم و به هم متصل^۲ گردآوری کرده بودند. به طور قطع می‌توان مدعی شد که نگاهشده‌های حدیثی آن‌ها، منابع اصلی کتاب‌های پس از خود هستند که با پیمودن فرایند قرائت و سماع^۳ و اجازه با کم‌ترین میزان آسیب‌پذیری و بالاترین ضریب اطمینان به نسل‌های پسین انتقال یافته است.^۴

ه) انتقال نگاهشده‌ها موجب آشکار شدن پدیده‌ای ویژه به نام "طریق" در فرهنگ اعتبارسنجی شیعه گردید. در واقع "طریق"، مسیری برای انتقال کتاب‌های حدیثی پیشین به نسل‌های بعدی است، نه انتقال مفاهیم شفاهی و زبانی. "طریق" می‌تواند منبع بسیار مناسبی برای شناخت راویان فعال و پر تکرار و چگونگی ارتباط حوزه‌های مختلف حدیثی با یکدیگر باشد.

دست‌آورد:

جامعه شیعی قبل از امامت امام باقر عليه السلام در یک محاصره و هجوم فرهنگی همه

۱. کنشی در گزارش خود نقل کرده است که زراره سواش را از امام صادق پرسید، لوح‌های خود را گشود تا پاسخ امام را بنویسد، اما امام پاسخ او را ندادند، پس وی الواح خود را بست. (اختیار معرفة الرجال، ص ۱۴۳)

۲. الکافی، ج ۷، ص ۳۴؛ در این روایت محمد بن مسلم که به عنوان شاهد، مقابل قاضی ابن ابی لیلی حضور داشته است در نقد حکم قضاوت او می‌گوید: "سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ عليه السلام يَقُولُ...، ابن ابی لیلی می‌پرسد: هَذَا عِنْدَكَ فِي كِتَابٍ؟ محمد بن مسلم پاسخ مثبت می‌دهد و دفتر خود را آورده و به ابن ابی لیلیا بیان می‌کند: أَنْ لَّا تَنْظُرُ فِي الْكِتَابِ إِلَّا فِي ذَلِكَ الْحَدِيثِ. از ابن گفتگو برداشت می‌شود که محمد بن مسلم شنیده‌های خود از امام باقر عليه السلام را در کتاب یا دفترچه‌های حدیثی متصل و به هم پیوسته می‌نگاشته است.

۳. فرایند قرائت و سماع برای انتقال تراث با دستور امام در جامعه شیعه نهادینه شده است. به عنوان نمونه: عبد الله بن سنان خدمت امام صادق عليه السلام می‌رسد و می‌گوید: بِيحْيَى الْقَوْمُ فَيَسْتَمِعُونَ مِنِّي حَدِيثَكُمْ فَأُضَجِرُّ وَلَا أَقْوَى. قَالَ فَأَقْرَأَ عَلَيْهِمْ مِنْ أَوْلِهِ حَدِيثًا وَمِنْ وَسَطِهِ حَدِيثًا وَمِنْ آخِرِهِ حَدِيثًا. (همان، ج ۱، ص ۵۲)

۴. نجاشی در طریق خود به کتاب حرز بن عبدالله سجستانی به فرایند قرائت و سماع در همه طبقات تاکید نموده است. (رجال النجاشی، ص ۱۴۵)؛ یعقوب بن یزید از افراد پرکار و پایبند به اصول حاکم به فرایند احادیث شیعه است، کنشی از او نقل می‌کند که نسبت به یونس عبدالرحمان خرده می‌گرفت و عدم پایبندیش به فرایند انتقال را مذمت می‌کرد: جَعْفَرُ بْنُ مَعْرُوفٍ قَالَ: سَمِعْتُ يَعْقُوبَ بْنَ يَزِيدَ، يَقَعُ فِي يُونُسَ وَيَقُولُ كَانَ يَرُوي الْأَحَادِيثَ مِنْ غَيْرِ سَمَاعٍ. (اختیار معرفة الرجال، ص ۴۹۳)

جانبه از سوی پیروان مکتب خلفاء قرار گرفت. بدین روی، از دستیابی به آموزه-های دینی به شکل فراگیر محروم مانده بود؛ لذا بعد از امامت امام باقر علیه السلام، با تدبیر ایشان حرکت به سوی غنی‌سازی و تحول فرهنگی در بستر عمومی جامعه شکل گرفت.

مهم‌ترین ابزار غنی‌سازی و گسترش فرهنگ دینی در جامعه، پدیده‌ای به نام حدیث بود؛ حدیث، از گذر امام با واسطه و نقش‌آفرینی گروهی - که از آنان به روایان تعبیر می‌شود - به بستر عمومی جامعه انتقال یافت.

به دلیل گسست و فاصله جغرافیایی میان محلّ زیست امام (مدینه) و محلّ تجمع اصلی شیعیان (کوفه)، گروهی می‌بایست آموزه‌های دینی را در بالاترین سطح دریافت کنند و انتقال دهند.

در میان این گروه، افراد شاخصی حضور دارند که بیشترین نقش را در پیاده‌سازی طرح امام داشتند؛ از این افراد در لسان امام صادق علیه السلام به "أَصْحَابُ أُبَي" تعبیر شده است که دارای کارکردهای فرهنگی خاص بودند. مهم‌ترین ویژگی این روایان، گذردادن جامعه شیعی از مرحله فقر فرهنگی به مرحله شکوفایی فرهنگی در پرتو مدیریت امام معصوم علیه السلام بود.

آنچه اشاره شد، نشانگر فعلیت‌یافتن دغدغه امام باقر علیه السلام و به ثمر رسیدن تعهد سپرده شده از سوی امام صادق علیه السلام به پدر بزرگوارشان می‌باشد که قدم به قدم پشتیبانی و تجهیز مجدد زیرساخت‌های علمی شاگردان را به عهده گرفته و آن‌ها را سرآمد عصر خویش گرداندند.

پیشنهاد موضوع مقاله و پایان‌نامه

پس از تحقیق و نگارش مقاله حاضر به موضوعاتی برخورد شد که جای خالی آن در منابع مکتوب شیعی به صورت مقاله و پایان‌نامه احساس می‌شود:

۱. نقش زراره و محمد بن مسلم در تثبیت بنیان‌های امامتی در عصر امام باقر علیه السلام
۲. امام صادق علیه السلام و تحکیم بنیان‌های فرهنگی شیعه
۳. بازخوانی طرح صادقین علیهم السلام در خنثی‌سازی جریان فرهنگی ابوحنیفه
۴. فرایند شکل‌گیری شخصیت علمی زراره بن اعین
۵. فقه‌مداریِ راویانِ پُرکار شیعه
۶. تبارشناسیِ فعال‌ترین راویان شیعه
۷. کارکرد فرهنگیِ راویانِ پُرکار شیعه
۸. جایگاه عبادیِ راویان کوشا و فعال شیعه

منابع

۱. الإحتجاج علی أهل اللجاج، احمد بن علی طبرسی، تحقیق: محمد باقر خراسان، نشر مرتضی، مشهد: ۱۴۰۳ق.
۲. الإختصاص، محمد بن محمد بن مفید، تحقیق: علی اکبر غفاری و محمود محرمی زرنندی، کنگره شیخ مفید، قم: ۱۴۱۳ق.
۳. إختیار معرفة الرجال، محمد بن عمر کشی، محمد بن الحسن الطوسی، تحقیق: حسن مصطفوی، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، مشهد: ۱۴۰۹ق.
۴. اعتبار سنجی احادیث شیعه، سید علیرضا حسینی شیرازی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران: ۱۳۹۷ش.
۵. الأمالی، محمد بن محمد مفید، مصحح: حسین استاد ولی، علی اکبر غفاری، کنگره شیخ مفید، قم: ۱۴۱۳ق.
۶. آموزه تحدیث در خواتش شیعه و اهل سنت، محمد تقی شاکر، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم: ۱۳۹۸ش.
۷. تاریخ الاسلامی: دروس و عبر، محمد تقی المدرسی، تهران: ۱۴۱۸ق.
۸. تاریخ الرسل و الملوک، محمد بن جریر الطبری، تحقیق: محمد أبو الفضل إبراهیم، دارالمعارف، مصر: ۱۳۸۷ق.

۹. ترجمه ابی حنیفه، محمدرضا جعفری، بنیاد فرهنگ جعفری، قم: ۱۳۹۵ش.
۱۰. تهذیب الأحکام، محمدبن الحسن الطوسی، تحقیق: حسن الموسوی خراسان، دارالکتب الإسلامية، تهران: ۱۴۰۷ق.
۱۱. دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران: ۱۳۶۷ش.
۱۲. دعائم الإسلام، نعمان بن محمد مغربی، تحقیق: آصف فیضی، مؤسسة آل البيت علیهم السلام، قم: ۱۳۸۵ق.
۱۳. رجال النجاشی، احمد بن علی نجاشی، مؤسسة النشر الاسلامی التابعه لجامعة المدرسین بقم المشرفه، قم: ۱۳۶۵ش.
۱۴. عیون أخبار الرضا علیه السلام، محمد بن علی ابن بابویه، تحقیق: مهدی لاجوردی، نشر جهان، تهران: ۱۳۷۸ق.
۱۵. فرحة الغری فی تعیین قبر أمير المؤمنین علی بن أبی طالب علیه السلام فی النجف، عبدالکریم بن طاووس الحلی، منشورات الرضی، قم: بی تا.
۱۶. فهرست کتب الشيعة و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول، محمد بن الحسن الطوسی، تحقیق: عبدالعزیز طباطبائی، مکتبة المحقق الطباطبائی، قم: ۱۴۲۰ق.
۱۷. قرب الإسناد، عبد الله بن جعفر حمیری، مؤسسة آل البيت علیهم السلام، قم: ۱۴۱۳ق.
۱۸. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تحقیق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، دار الکتب الإسلامية، تهران: ۱۴۰۷ق.
۱۹. مکارم الأخلاق، حسن بن فضل طبرسی، انتشارات شریف رضی، قم: ۱۴۱۲ق.
۲۰. نقش عناصر تاریخی در تبیین عقاید اهل بیت علیهم السلام، سید مصطفی مطهری، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، قم: ۱۳۹۵ش.
۲۱. نخب البلاغة، محمد بن حسین شریف الرضی، تحقیق: صبحی صالح، انتشارات هجرت، قم: ۱۴۱۴ق.